

کارگران جهان متحد شوید!

سخنان جان مکدونال از حزب کارگر انگلیس و مسئول 'کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران' مقابل سفارت رژیم در لندن

اعتصاب کارگران فرانسه، ۳.۵ میلیون نفر به خیابان ها آمدند

فدرالیسم:

نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه (۲)

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

نبرد علیه خصوصی سازی

صفحه ۷

سیاوش دانشور

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فعالیت های حزب در روز جهانی زن

چهارشنبه سوری؛ فرصتی برای مقابله با جنایتکاران اسلامی!

صفحه ۱۱

امیر عسگری

اعتراضات سراسری علیه حملات شیمیایی به مراکز آموزشی

حملات شیمیایی امروز هم ادامه یافت

ستون اخبار کارگری و حرکت های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

در یک نگاه

در افشای نمایش فریبکارانه

"جایزه البرایت"

علیه زنان و ۸ مارس

رحمان حسین زاده

یادداشتها،

جایزه مادالین آلبرایت، در باره حملات شیمیایی

سیاوش دانشور

در موج بعدی کارگران می آیند!

سخنرانی در سمینار نیروهای چپ و

کمونیست در استکهلم

با خوش آمد به حضار و رفقای گرامی. از جانب حزب کمونیست کارگری - حکمتیست روز جهانی زن را بویژه به زنان جسوری که در ایران تاریخ میسازند و همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب شادباش میگویم.

در ۸ مارس امسال ما دو هدف مشخص را دنبال می کنیم: اول، ادامه خیزش انقلابی زن محور برای بزیرکشیدن جمهوری اسلامی و دفاع از دختران شورشی و فرزندانمان که بوسعت مورد تهاجم تروریستی - بیولوژیکی با گازهای مسموم کننده قرار گرفتند. دوم، تاکید بر این موضوع مهم که برای جنبش جهانی حقوق زن در مناسبت ۸ مارس ۲۰۲۳ مسئله مهمتری از تحولات ایران و نقش برجسته زنان وجود ندارد. تلاش برای تبدیل اینروز به حمایت افکار عمومی پیشرو، جنبش بین المللی کارگری، سازمانهای زنان و احزاب چپ از خیزش انقلابی در ایران یک وجه دیگر تلاش ماست.

تحولات ایران

در مورد تحولات ایران، همه شما از سیر اخبار و رویدادها مطلع هستید. در این فرصت کوتاه من روی چند موضوع اشاره دارم که به ادامه فعالیت و تلاش ما مربوط

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در موج بعدی کارگران می آیند!

سخنرانی در سمینار نیروهای چپ و کمونیس‌ت

در استکهلم ...

اند. یکی خود جنبش انقلابی برای سرنگونی است. این جنبش موج اول را پشت سر گذاشت، دستاوردهای مشخصی داشت و بلافاصله با درجه ای از کم شدن اعتراضات خیابانی، اعتصابات کارگری وسیعاً جلو صحنه آمد. از نظر ما، برخلاف برخی تحلیل‌های ژورنالیستی، هیچ چیز نه فقط عوض نشده بلکه هر واقعه میتواند دریچه برآمده توده ای بعدی باشد. در دوره انقلابی وضعیت‌های بشدت متفاوت و متضاد از جمله رکود و تعرض وجود دارد و یا ممکن است وجود داشته باشند. دوره انقلابی از یک سیر خطی تبعیت نمیکند. سیاست رژیم در قبال این اوضاع، عادیسازی با اتکا به سرکوب وسیع و فراگیر است. سیاست جامعه و جنبش انقلابی زدن حکومت است و دینامیزم حرکت انقلابی رفتن بسمت انقلاب است.

مسئله دیگر اینست که فضای سیاست ایران در ایندوره قطبی تر از قبل شده است. به این معنا مناسبات مردم و حکومت، راست و چپ، دولتها و رسانه ها، صفتبندی های اصلی تر، آنتاگونیزه تر از قبل است. در ایندوره حدوداً شش ماهه، از شعارها در کف خیابان تا عمل و سیاست واقعی نیروها، به طور مشخص این قطبی شدن مشاهده میشود. ما روی این روند تاکید کرده بودیم، از این فضا استقبال می کنیم و آنرا در خدمت شفاف تر نشان دادن راه حل کارگری و سوسیالیستی در مقابل کلیه راه حلهای طبقات حاکم و بورژوازی ایران و مؤتلفین شان میدانیم.

نکته دیگر که لازمست به آن اشاره کنیم و روی کار آتی ما هم تاثیر دارد، شکلگیری صفتبندی جدیدی در میان نیروهای اپوزیسیون است. بعد از جورج تاون همه نمایشها به ضد خودش بدل شد. طرحها یکی بعد از دیگری شکست خوردند و رقابت درونی نیروهای راست و سیاستهای خام رضا پهلوی همان ماکد ائتلاف را هم بهم زد. نه فقط جدایی و فاصله بین اصلاح طلبان و جمهوریخواهان و جریانات مرکز با سلطنت طلبان بیشتر شده و میرود که بیشتر شود، بلکه احزاب "مرکز همکاری" هم در قبال برخورد به رضا پهلوی دچار بحران شدند. به اینها فاکتور مخالفت آمریکا و اروپا را با تحریم سپاه و بند و بست با رژیم اسلامی اضافه کنید. بی افقی راست و دیکتاتورمندی دیرینه این صف را دارد به اجزا اولیه تجزیه می کند.

از دل کل این کشمکش در دوره انقلابی، چند بستر با ویژگی شناخته شده تر و به یک معنا کلاسیک تر شکل واضح تری گرفته است: یکی جریان و خط ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است که فعلاً با فاشیستها کار میکند و تنها نیرویش برای پیشروی در دوره انقلابی متکی شدن به متعصب ترین و فالانژترین نیروها است. این جریان دربرگیرنده راست بازار آزادی، فاشیستهای ایرانی و بخشی از خود رژیم است.

دیگری بستر جمهوریخواهی، ضد شاهی، شبه سوسیال دمکرات، اصلاح طلب و مسالمت جو است که با سر باز کردن تناقضاتشان از اتحاد اولیه و نیم بند با رضا پهلوی فاصله میگیرند. این جریان مرکز که عمدتاً با جمهوریخواهان تداعی میشود، همان سرمایه داری سلطنت طلبان اما با عطر "دمکراسی و جمهوری پارلمانی" میخاهد و حاضر به سازش

بیشتری در مورد فدرالیسم است. سازمان مجاهدین هم در متن تنش بین راستهای سلطنت طلب و جمهوریخواه و ناسیونالیست، در رقابت با سلزنت طلبان تلاش می کنند از هر سمت نیروهائی را بخود نزدیک کنند؛ از حزب دمکرات کردستان تا جریانات و افراد و محافل ناراضی از سلطنت طلبان. جریان سوم جنبش کمونیس‌تی و سوسیالیستی ایران و ستون فقراتش جنبش طبقه کارگر، زنان و مردان و اردوی آزادیخواه و برابری طلب و انقلابی است. این جریان در صفحه متفاوتی کار میکند، اهداف تماماً متمایزی را از نیروهای فوق دنبال میکند.

چشم انداز آینده نزدیک، حتی با احتیاط میتوان گفت قریب الوقوع، اینست که برآمد جدید توده ای با اعتصابات بزرگ کارگری در صنایع بزرگ ایران ترکیب شود. در دور آتی، اعتراض به گرانی و فقر و فلاکت بمثابه رکن اساسی دیگر خیزش انقلابی جای قوی تری میگیرد و شرایط وخیم اقتصادی توده میلیونی زحمتکشان شهری را بحرکت درمیآورد. ترکیب و بافت طبقاتی جنبش انقلابی و نقطه عزیمت های مادی و اجتماعی جنبش، شعارها و روشها و سیاستها، نیروی سهمگینی برای راه حل سوسیالیستی است. ما نه در داخل و نه در خارج شرایط یکسانی با نیروهای راست نداریم. بویژه در داخل هنوز سران و رهبران سوسیالیست و کمونیس‌ت نمیتوانند قد علم کنند اما ایندوره موقت است.

در عین حال تقابل جامعه با وضعیت غیر قابل تحمل اقتصادی و سیاسی و روی همین خواست بهبود و تغییر در جامعه، جریانات رفرمیستی و مرکز هم میتوانند نیرو بگیرند. آنها میتوانند از تشکیل سندیکا و احزاب و آزادی بیان و حقوق بشر و عدالت اجتماعی سخن بگویند. در عین حال، وجه ضد سلطنتی و ضد شاهی این بستر باضافه زمینه مادی رفرمیسم، این کمپ را بصورت تاکتیکی به سمت اردوی چپ جامعه متمایل میکند. یکی از دلایل حمایت نیروهای این بستر از منشور بیست نهاد صنفی را باید این تنش و تقابل در درون اردوی راست ارزیابی کرد.

میان ناسیونالیست های محلی و ناسیونالیسم ایرانی جدال بالا میگیرد و اختلافات و تحریک ها با ادبیات فاشیستی فضای منفی ای ایجاد خواهد کرد که فی الحال پرده های اولیه آنرا دیده ایم. این نفرت پراکنی به ایجاد شکاف میان مردم و صفوف مبارزه انقلابی منجر میشود و باید در قبال آن هشیار بود.



در موج بعدی کارگران می آیند!

**سخنرانی در سمینار نیروهای چپ و کمونیست
در استکهلم...**

مجموعه این شرایط با اضافه قلب تپنده مبارزه انقلابی در سطوح مختلف، امکانات مساعد و نامساعدی برای کمونیست ها فراهم میکند. بویژه حضور طبقه کارگر در صحنه سیاسی کمونیست ها را قوی میکند و قوی شدن کمونیست ها جریانات بسترهای دیگر و لایه های مختلف را بدرجه ای بصورت تاکتیکی چپ میکند. همانطور که همه ناگهان "انقلابی" شدند! مثلاً در خارج کشور با شکاف وسیعی که بین اردوی راست افتاده است، بخش مهمی از نیروی معترض میتواند با همراه چپ ها و زیر پرچم چپ ها به خیابان بیایند. امکان اینکه راست فاشیست را منزوی کرد دارد بوجود می آید. ما ممکن است با شرایطی روبرو شویم که با نیروهای غیر سوسیالیست در شکست دادن آلترناتیو دست راستی و فاشیستهای آریایی همسو باشیم. یا برای اعاده مدنیت و حقوق پایه مردم علیه کودتا و ملیتاریسم و حمله خارجی بدرجات مختلف همسو باشیم. این همسوئی ها در سیاست همواره وجود دارد و در دوره انقلابی و مقاطع آن نیز پیش می آید. مهم اینست هیچوقت قطبناهی اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر را فراموش نکنیم و هر تاکتیک و سیاست ما در خدمت تقویت سیاست کارگری و کمونیستی مان باشد.

اما مهمتر از این تحولات که روی کار ما تاثیر میگذارد، خود جیتی است که باید در مرکز توجه ما باشد. امروز متکی شدن به ارگانهای انقلابی، شوراهای، کانون ها و نهادهای انقلابی یک رکن مهم تقابل با هر نوع راه حل دست راستی است. در زمین اصلی بازی، آنجا که قدرت جاری میشود، باید ابزارهای پر کردن خلاء قدرت را داشت و مهمتر اینست که باید بدون تردید برای آن آماده بود. تا زمانی که تناسب قوا بدرجه ای بیشتر بشکند که شوراهای بتوانند بطور علنی قد علم کنند و رهبران کارگری و اجتماعی بتوانند اشکال سراسری تر سازمان رهبری را با اتکا به نیروی اجتماعی و طبقاتی ایجاد کنند، اپوزیسیون کمونیست و انقلابی موظف به پر کردن این خلاء در شرایط کنونی است.

امروز هر صدائی از جناح چپ جامعه را باید علیه راست استفاده کرد و در عین حال روی بسیج و سازمان نیروی واقعی سرنگونی انقلابی، نیروی وسیع طبقه کارگر برای انقلاب کارگری کار کرد.

متشکرم.

۴ مارس ۲۰۲۳



آزادی زن معیار آزادی جامعه است!

سخنان جان مکدونال

نماینده پارلمان بریتانیا از حزب کارگر انگلیس و مسئول "کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران" در ۸ مارس روز جهانی زن در مقابل سفارت رژیم در لندن



است که خیزش انقلابی و انقلاب جاری در ایران با همبستگی بین المللی در جهان روبرو است. ما اطمینان می‌دهیم که هرگونه حمایت و همبستگی که در توانمان باشد ارائه خواهیم داد.

یکی از خواسته های ما این است که سفارت رژیم در لندن بسته شود. آنها هیچ حقی ندارند که اینجا باشند. سفارت رژیم حق ندارد که در این کشور دمکراتیک باشد. سفارت رژیم هیچ کمکی به حقوق بین الملل در کشور ما نخواهد کرد. به همین دلیل ما خواهان تعطیلی آن هستیم. همچنین ما تاکید می‌کنیم که تمام سران رژیم و طرفداران آنرا مورد حسابرسی قرار خواهیم داد. نمیتوانند بدون بازخواست به اعمال خود ادامه دهند. ما تگ تگ شان را تحریم خواهیم کرد. ما اطمینان می‌دهیم که آنها را برای اعمال شان که باعث اذیت و آزار مردم در ایران میشوند مورد حسابرسی قرار خواهیم داد.

پیام من، همبستگی در روز جهانی زن با زنان ایران است که انقلابی را پایه ریزی کرده اند.

ترجمه: جمال کمانگر

هرچند هوای امروز سرد و بارانی است اما این دومین بیکت اعتراضی کمیته همبستگی با جنبش کارگری در ایران است. چند ماه بعد از تشکیل این کمیته، در حال حاضر چند اتحادیه کارگری و تعدادی زیادی از نمایندگان حزب کارگر از ما حمایت میکنند. دلیل اینکه ما این کمیته را تشکیل دادیم این بود که مطمئن شویم که رژیم ایران بداند که همبستگی توده ای با خیزش انقلابی و انقلاب مردم ایران در جریان است.

ما اعلام می‌کنیم که زندان، شکنجه، قتل و بدرفتاری با مردم ایران قابل قبول نیست.

ما فراموش نکرده و نخواهیم کرد که این (رژیم) چه رفتاری با انسانهای هم نوع ما و چه درد و رنجی به آنها تحمیل کرده است. راه حل (این وضعیت) در دستان مردم ایران است. خیزش مردم در خیابانها کماکان ادامه دارد و گسترش پیدا کرده است. زنان و کارگران با هم برای بدست آوردن آزادی مبارزه میکنند.

امروز ۸ مارس روز جهانی زن است. ما کشوری نوین در (ایران) می‌خواهیم که برابری نصف دیگرش را به رسمیت بشناسد. پیام ما ساده



اعتصاب کارگران فرانسه، ۳.۵ میلیون نفر به خیابان ها آمدند

روزهای ۷ و ۸ مارس صدها هزار تن از شهروندان فرانسوی در یکی از مهم ترین روزهای اعتراضی علیه اصلاحات قانون بازنشستگی دولت امانوئل ماکرون، در شهرهای این کشور به خیابان آمدند. به گزارش کنفدراسیون عمومی کار، س ژت، بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه تنها در پاریس تعداد تظاهرکنندگان بیش از ۷۰۰ هزار نفر بوده است. پلیس از ۱.۲۸ میلیون نفر خبر داده است، سندیکاهای کارگری قاطعانه می گویند که شمار تظاهرات کنندگان و اعتصابیون تاریخی بوده است. ت.ژت تعداد تظاهرکنندگان این روز را ۳.۵ میلیون نفر اعلام کرده است. به گفته سندیکاهای کارگری تعداد معترضان بالاترین رکورد در ۴ دهه اخیر است.

دولت امانوئل ماکرون چندین هفته است که اصلاحات مربوط به قانون بازنشستگی را به پارلمان این کشور برده است. دو ماه است که مخالفان دولت در اعتراض به قانون جدید به جز تظاهرات خیابانی در اعتصاب های سراسری شرکت می‌کنند. سندیکاهای کارگری فرانسه می‌خواهند علاوه بر روز ۸ مارس شنبه آینده را نیز به تظاهرات سراسری اختصاص دادند. زنده باد همبستگی کارگری!

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

فدرالیسم:

نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه (۲)

رحمان حسین زاده

توضیح ضروری: در مطالب قبلی نوشتیم، ضروریست جامعه را نسبت به مخاطرات مطرح کردن شعار "تمامیت ارضی" و علم کردن "خطر تجزیه طلبی" از جانب ناسیونالیسم ایرانی و "فدرالیسم" ناسیونالیستهای محلی و کرد آگاه و آماده کرد. نقطه عزیمت هر دو ترند ناسیونالیستی که مداوماً در فکر بند و بست و معامله باهمند، مقابله کردن با شرایط انقلابی فضای سیاسی ایران است. اینها میخواهند در تقابل با خیزش انقلابی جاری، فضای سیاسی را ناسیونالیزه و آلوده کنند. نباید گذاشت در این حرکت ارتجاعی موفق شوند. در ماههای اخیر ابتدا رضا پهلوی به نیابت از ناسیونالیسم عظمت طلب ایران و مشروطه خواهان با فرمول "حفظ تمامیت ارضی" و علم کردن بی پایه "تجزیه طلبی" به سبک "دایی جان ناپلئونی" در حال رژه و جنگ با "تجزیه طلبان" است. مشروطه خواهان و پهلوی چپها برای به فروش رساندن کالای بنجل ناسیونالیستی خود دنبال "تجزیه طلب" میگردند. شعار و فرمول "تمامیت ارضی" و علم کردن بیهوده "تجزیه طلبان" در تاریخ صد ساله ایران پرچم و پلاتفرم ناسیونال شوونیسم ایرانی در راستای تحمیل و تثبیت حاکمیت استعمارگرانه و ستمگرانه بورژوازی عظمت طلب بوده و به جوانب آن پرداختیم. روی دیگر سکه و به همان اندازه ارتجاعی طرح "فدرالیسم" ناسیونالیستهای محلی به ویژه در کردستان است. فدرالیستها با حق به جانبی بیشتر و "مظلوم نمایی" وارونه و ادعای دروغین "کسب حقوق ملت تحت ستم" تفرقه و تعصبات ملی و قومی پرمخاطره ای را دامن میزنند. در نوشته دو قسمتی "فدرالیسم: نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه" پایه های سیاسی و کارکرد عملی طرح عقیمانده فدرالیسم بررسی میشود. قبلا و در بخش اول به سابقه طرح مسئله فدرالیسم، مقولات کلیدی در دیدگاه فدرالیستها همچون "ملل و ملیتهای" مختلف" و "کثیرالملله" معرفی کردن جامعه ایران پرداختیم. در ادامه و در این بخش پایانی به نقد محورهای دیگری از دیدگاه فدرالیستها میپردازیم.

۳- عدم تمرکز، تقسیم قدرت

استدلال دیگر عدم تمرکز و تقسیم قدرت است. چنین وانمود میکنند که عدم تمرکز قدرت و شکستن قدرت در قالبهای کوچکتر و به شکل فدرالی به دخالت مردم در اداره امور جامعه و استفاده موثرتر از ثروت جامعه و دموکراتیزه کردن کشور می انجامد. اینجا دیگر فقط عوامفریبی نیست، بلکه کودنی مدافعان فدرالیسم در فاز نهایی است. در جواب این عوامفریبی ها انسان کفیبست بپرسد؛ اختیارات بیشتر برای کی و چه جریاناتی؟ با مثالی میشود این موضوعات را بیشتر توضیح داد. جمهوری اسلامی به عنوان حکومت سرمایه داران ایران قدرت متمرکز و سرکوبگرانه ای ایجاد کرده و نمی خواهد هیچ جریان بورژوازی دیگری را در قدرت دخالت دهد. در این میان جریانی مثل حزب دمکرات کردستان، که واضح است حزب بورژوازی کرد است، سهمی از این قدرت را در چارچوب کردستان میطلبد، نام آن را گذاشته

"فدرالیسم و منافع ملی" و بر سر آن با دولت مرکزی دعوا دارد، واضح است دعوی اینها کشمکش دو بخش بورژوازی بر سر چگونگی توزیع قدرت با هم است. اگر زمانی جمهوری اسلامی مجبور شود این تمرکز قدرت را بشکند و اداره کردستان را به حزب دمکرات واگذار کند، این اختیارات و این شکستن تمرکز قدرت به آغوش حزب دمکرات پرتاب میشود. یعنی

اختیارات بیشتر و "شکستن تمرکز قدرت" به جناح دیگری از بورژوازی محول میشود و در این میان قرار نیست مردم در حاکمیت دخالت کنند، قرار نیست شوراهای مردم قدرت را به دست بگیرند. نه تنها این، کارگر و مردم کردستان را این بار "حاکمیت بورژوازی خودی" استعمار و سرکوب کند. بورژوازی محلی از موقعیت به دست آمده علیه کارگر و مردم زحمتکش در کردستان استفاده میکند. همانطور که سخنگوی حزب دمکرات کردستان خالد عزیزی اعلام کرده، "علاقمنند است در کردستان قدرت به دست آنها باشد و" کرد به دست کرد اعدام شود". بهای کشمکش بر سر قدرت بین بورژوازی در مرکز و بورژوازی در محل را قرار است جنگ و خونریزی و به جان هم انداختن مردم سر یک وجب خاک و تعیین مرز "حکومت فدرال" همین مردم بپردازند. در راه عدم تمرکز و توزیع قدرت طبقاتی دو بخش بورژوازی میخواهند در ارومیه و نقده و کرمانشاه، یا در بلوچستان و خوزستان و غیره مردمی را که سالها با هم زندگی کرده اند، مناسبات عادی داشته اند، کارگر و مردم همسرنوشت را به جان هم بیندازند. به همان شکلی که در یوگوسلاوی و افغانستان کرده اند و امروز در عراق میکنند.

۴- دموکراتیزه کردن کشور

یک وجه دیگر موضوع "عدم تمرکز" گویا "دمکراتیزه شدن" کشور است. بعضی از مدافعان فدرالیسم ادعا میکنند، "کشور ایران پهناور و بازمانده امپراتوری کهن و استبدادی است" و نوشداروی "فدرالیسم" را میطلبد تا به استبداد عصر امپراتوری پایان داده شود. اینها نمیخواهند بفهمند، آرایش قدرت و ساختار حکومت به خودی خود تضمین کننده هیچ نوع گشایش و دموکراتیزه شدن و بهبودی در نحوه رابطه قدرت حاکمه با مردم نیست. ما شاهدیم کوچکترین کشورها و واحدهای دولت و قدرت حاکمه در دنیای امروز از بسیاری از کشورهای بزرگ مستبدتر و خشن تر در برابر شهروندان عمل میکنند. در کشورهای کوچکی مثل کویت و بحرین و قطر هنوز نصف جامعه یعنی زنان از حق رای محرومند و استبداد سیاه به تمام معنا حاکم است. واضح است اینجا هم منطق طبقات و نیروی طبقاتی حاکم حکم میراند. استدلال پهناوری کشور ایران و عدم اداره آن از یک مرکز، سفاهت مدافعان فدرالیسم را به اوج میرساند. در دنیای تنگ و محدود قومپرستی یادشان میرود دنیای امروز، دنیای انفورماتیک و اینترنت و ماهواره و تکنولوژی و ارتباطات سریع و اداره جوامع بشری در مقیاس وسیع است، قاعدتا باید متوجه باشند که مساحت وسیع و پهناوری کشور نه غیر قابل اداره به شکلی متمدنانه و آزادنشانه است و نه الزاما موجب استبداد است. به عنوان

فدرالیسم:

نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه (۲) ...

یک پرنسپب عمومی مناسبتر است در کشوری مثل ایران مردم منتسب به "ملیتهای" مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب کشوری بزرگ زندگی کنند. نکته دیگر، از نظر اینها گویا استبداد یک بیماری ژنتیکی است که از امپراتوری گذشته به جای مانده و ربطی به مناسبات طبقاتی و آن نیروی طبقاتی ندارد که قدرت را به دست میگیرد. پرسیدنی است به دنبال انقلاب ۵۷ که علیه نظام متمرکز سلطنتی و بازمانده امپراتوری کهن بود، چه شد که باوجود تغییر سیستم حکومتی از سلطنت به جمهوری، کماکان استبداد خشن و عریان به حکومت ادامه داد. واقعیت اینست که نیروی اسلامی بنا به نیاز طبقاتی سرمایه در دوره حاضر (و نه نیازهای امپراتوری سابق) حاکمیت استبدادی و متمرکز خشنی را حاکم نمود. برای مثال در دوره بعد از سقوط سلطنت در مناسبات سیاسی آن دوره، بر خلاف عوامفریبی و یا ساده لوحی مدافعان فدرالیسم، ایجاد نیمچه حکومتهای فدرالی علاوه بر ادامه استبداد در شکل و شمایل محلی و "خودی" و توهم برانگیز، با وقوع جنگهای قومی اوضاع را مشقت بارتر هم مینمود. امری که مردم ایران از آن اجتناب کردند. هر انسان آزادهای میداند با سرنگونی رژیم سلطنتی، در صورت به دست گرفتن قدرت توسط طبقه کارگر و توده مردم و استقرار حاکمیت شورایی و مردمی با پلاتفرم آزادیخواهانه در سراسر ایران میتوانست تضمین کننده آزادی و رفاه و حقوق برابر همه مردم در ایران باشد.

۵- فدرالیسم قومی یا اداری

مدافعان فدرالیسم استدلال میکنند، "سیستم فدرالی در آلمان و کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی هم پیاده شده است". این دیگر نه فاکت و تحلیل سیاسی بلکه عوامفریبی محض است. بحث مربوطه در رابطه با ایران دقیقاً بحث بر سر فدرالیسم بر مبنای ملیت و هویت قومی و بحث بر سر تقسیم‌بندیهای قومی است. درست برعکس در آلمان و بعضی کشورهای غربی این "تنوع ملل" مورد نظر فدرالیستهای ایرانی و کرد نیست که سیستم فدرالی را موجب شده است. بلکه شکلی از تقسیم بندی اداری برای اداره امور در کشور بوده و اکثراً غیر قومیند و باز برخلاف عوامفریبی آنها، الزاماً تضمین کننده دخالت مردم در اداره امور هم نبوده و در قیاس با شکل اداره شورایی جامعه بسیار عقب، بوروکراتیک و دست و پاگیر است.

۶- فدرالیسم و مسئله کرد

در نزد بسیاری از ناسیونالیستهای ایرانی و کرد، فدرالیسم وسیله‌ایست برای معامله و بند و بست در قبال مسئله ملی موجود در جامعه کردستان. ملی‌گرایان ایرانی و حزب دمکرات کردستان و جریانات مشابه، فدرالیسم را دریچه‌ای برای سازش و معامله بر سر شریک شدن در قدرت در تحولات بعدی ایران می‌بینند. فدرالیسم علاوه بر اینکه عقب‌مانده و ارتجاعی است، راه‌حل عملی هم

محسوب نمیشود. بلکه شکاف کنونی را رسمی و نهادینه و ابدی میکند. در هر حال مسئله کرد، یک موضوع واقعی است و جواب میطلبد. راه حل کمونیسیم کارگری، تنها راه حل درست و اصولی و قطعی این موضوع است. برخلاف ناسیونالیستها که با سیاستشان میخواهند، تفاوت و تبعیض ملی و هویت ملی نهادینه شود و مثل استخوان لای زخم باقی بماند، از نظر ما پایان دادن به ستم ملی لازمست به پایان دادن به دسته بندی ملی و هویت ملی و ناندانی ملی ختم شود. واقعیت اینست خارج از اراده ما و هر کس دیگری در نتیجه سرکوبگری دولتهای مرکزی سلطنتی و اسلامی، مسئله کرد به موضوع کشمکش سیاسی و نظامی تبدیل شده است. جنگ و کشتار و لشکرکشی به شهرها و محیط زندگی مردم کشیده شده است. در مقابل برای شریک شدن در قدرت سالها ناسیونالیسم کرد این موقعیت را غنیمت شمرده و وارد این کشمکش و نزاع شده است. ابعاد سیاسی و اجتماعی قضیه به شکلی است که بطور ابژکتیو جامعه بر سر آن قطعی شده است و ما کمونیستها درگیر این واقعه شده‌ایم. ریشه این مسئله از هر جا که باشد، امروز به یک کشمکش سیاسی و نظامی در آن جامعه تبدیل شده و راه حل واقعی میخواهد. راه حلی میتواند چاره ساز باشد، که اولاً به این ستمگری ملی و سرکوب علیه مردم خاتمه داده شود. دوماً این کشمکش سیاسی و نظامی پایانی پیدا کند. سوماً به دسته بندی ملی و هویت ملی و تبعیض حول آن خاتمه داد و به این ترتیب این ناندانی ناسیونالیسم کرد هم برچیده شود. با مجموعه این فاکتورها راه واقعی اینست که به رسمیت شناخته شود مردم کردستان مستقیماً خود سرنوشت سیاسی آینده خود را تعیین کنند. از نظر ما اینکار در یک رفتارندم به رسمیت شناخته شده بین‌المللی میتواند به این شکل پاسخ خود را بگیرد، که مردم کردستان رای بدهند به اینکه جدا شوند و دولت مستقل تشکیل دهند، و یا در چارچوب ایران و در نظام سیاسی سکولار و غیر قومی با تضمین کامل حقوق متساوی همه شهروندان به زندگی ادامه دهند. نتیجه چنین فرآیندی هر چه باشد باید معتبر و به رسمیت شناخته شود. در حال حاضر ما طرفدار این شق دوم هستیم.

فدرالیسم مردود است

فدرالیسم طرح و حرکتی قابل اعتنا در صحنه اجتماعی ایران نیست. مسیر تحولات سیاسی و انقلابی در ایران با وجود نیروی چپ قوی میتواند ناسیونالیسم و ملی‌گرایی را چه در شکل "تمامیت ارضی طلبی" و چه در قالب "فدرالیسم" و اشکال دیگر به حاشیه براند و بستر نشو و نمای نیروهای سیاه و دست راستی ملی گرای ایرانی و عظمت طلب و فدرالیستهای محلی را بخشکاند. این مسیر را باید با حساسیت بسیار بالا و آگاهانه طی کرد. نباید گذاشت و پروس ملیگری و فدرالیسم فعال شود. نباید گذاشت تجربه تلخ دسته بندیهای قومی و ملی در بالکان و افغانستان و جنگ و کشتاری که اتفاق افتاد، تکرار شود. تجربه سیاه کنونی جامعه عراق و سناریوی فدرالیزه کردن این کشور، که مورد استناد ناسیونالیستهای رنگارنگ ایرانی و کرد است، نباید سر بلند کند.

حزب حکمتیست جبهه مبارزه بی‌امان علیه ناسیونالیسم و فدرالیسم را گشوده است. کارگران و مردم آزادیخواه و هر کس که مدنیت، سعادت، رفاه و آزادی و برابری همه شهروندان ایران را میطلبد، به تقویت این جبهه مبارزاتی فرامیخوانیم. باید اعلام کنیم. "ناسیونالیسم ننگ بشریت است، طرح سیاه فدرالیسم مردود است." تا همینجا چنین سنگربندی محکمی نشان داده است که میتوان طرحهای ارتجاعی ملی‌گرایان سراسری و محلی را خنثی کرد.*

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نبرد علیه خصوصی سازی

سیاوش دانشور

مقدمه: بحث "مولد سازی" در دولت رئیسی، نام وارونه و بی مثمائی که برای تاراج اموال عمومی تحت مدیریت دولت و فروش آنها برای جبران کسر بودجه وزارتخانه ها برگزیده اند، قرار است صدها مدرسه و کارخانجات و معادن و ... را با یک چرخش قلم و با تصمیم و مصونیت یک هیئت هفت نفره به باصلاح بخش خصوصی واگذار کنند. واضح است در ایران بخش خصوصی اسم شب انبواب جمعی حکومت و سرمایه داران وابسته به نهادهای قدرت است. این موضوع مجدداً بحث خصوصی سازی و پیامدهای بلافصل آنرا برای موقعیت شغلی و کار صدها هزار کارگر به صدر میراند. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که برای یک میانمدت اقتصادی هم برنامه ریزی کند، ما در یک شرایط بالنسبه باثبات سیاسی و اقتصادی نیستیم. لذا بحث "مولد سازی" گوشه ای از نابودی بیشتر موقعیت اقتصادی و شغلی کارگران و تاراج اموال عمومی توسط حکومتی ها است که در اختیار دولت قرار دارند. دولت نباید چنین حقی داشته باشد که اموال و ثروتهای عمومی را بنبغ وابستگان خود بفروشد برساند. اما این روند روی کار و مبارزه طبقه کارگر و قربانیان "مولد سازی" تاثیر مستقیم دارد و باید سیاست روشنی در قبال آن داشت. یادداشتی که میخوانید در باره خصوصی سازی و چهارچوب سیاست ما در برخورد به آنست. سردبیر.

یکی از جنبه های نبرد جنبش کارگری ایران مبارزه علیه خصوصی سازی بطور کلی و اعتراض و اعتصاب برای لغو خصوصی سازی در شرکتهائی است که طی سالهای گذشته واگذار شده اند. مثالا و موارد معروف تر فراوانند؛ هیکوی اراک، کشت و صنعت مغان، مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران قطار تراورس، خودرو سازیها، صنایع فولاد، شرکتهای وابسته به نفت و گاز، بیمارستانها و مراکز پزشکی و درمانی، مراکز آموزشی و دانشگاهی، شرکتهای متوسط و کوچک از آن جمله اند. این روند عملا از دوره رفسنجانی و بعد از جنگ ایران و عراق شروع شد و سیاست اقتصادی رفسنجانی که پیشبرد کامل آن با مانع ایدئولوژیکی و هویتی رژیم اسلامی روبرو شد، در دولتهای بعدی بدرجات مختلف ادامه یافت. تغییرهای مکرر در قانون کار، ایجاد مناطق آزاد تجاری در گوشه گوشه ایران که عملا قانون جنگل بر آنها حاکم است، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی با فتوای خامنه ای و تسریع این روند در دولتهای احمدی نژاد و روحانی، نتایج دهشتناک خود را برای امنیت شغلی و شرایط معیشتی و کار و زندگی طبقه کارگر ایران ببار آورده است.

سرمایه خصوصی- سرمایه دولتی

در بحث تقابل با خصوصی سازی شرکتهای و مراکز صنعتی، همواره با یک تقابل کاذب و رتوریک روبرو بوده ایم. این نکته توسط خود ما مرتباً تاکید شده است که مقابله با خصوصی سازی، جدالی برسر مطلوبیت کارفرمای دولتی در مقابل کارفرمای خصوصی، دفاع از سرمایه دولتی در مقابل سرمایه خصوصی، توهم به سرمایه دولتی و مسائلی از این دست نیست. این نوع بحث تماماً به عدم درک آنچه رخ

داده و در جریان است متکی است. برای مارکسیست ها و کارگران کمونیست و سوسیالیست روشن است که مسئله اساسی نفی سلطه سرمایه و دولت سرمایه داری و مناسبات حاکم موجود است. میرهن است که هر نوع جانبداری سیاسی از یکی از اقشار سرمایه، نیروی طبقه کارگر را به سرباز دون پایه رقابت سرمایه ها بدل می کند. واضح است که سرشت سرمایه در

اساس خودافزائی و انباشت از طریق استثمار کار مزدی و تشدید آن بطرق مختلف است. لذا تقابل بحث به دفاع از سرمایه و مالکیت دولتی در تقابل با سرمایه و مالکیت خصوصی موضوعیت ندارد. در این واقعیت هم تردیدی نیست که یک گرایش رفرمیستی همواره وجود داشته است که مدافع سرمایه داری دولتی و دخالت بیشتر دولت در اقتصاد بوده است که ما کمونیست ها بدرست با این گرایش مخالفیم. اما تعمیم و بسط این مخالفت عملی و سیاسی به هر مبارزه علیه خصوصی سازی، میتواند به استنتاجات و تقابل های کاذب خصوصی- دولتی میدان دهد. بحث اساساً بر سر منافع آتی و آتی کارگران و پیامدهای روند خصوصی سازی بر کار و زندگی طبقه کارگر است.

اولین نکته این است که برای کارگر، برای طبقه ای که در سرمایه داری براساس قانون بردگی مزدی کار و زندگی میکند، در نگاه اول تفاوتی وجود ندارد که کارفرمای استثمارگرش وابسته به بخش خصوصی یا دولتی یا اشکال بینابینی نیمه دولتی- نیمه خصوصی است. بعبارت دیگر برای من مزدبگیر که ناچارم هر روز نیروی کارم را برای تهیه لوازم زندگی به سرمایه دار بفروشم، تفاوت ماهوی وجود ندارد که این سرمایه دار به بخش خصوصی تعلق دارد یا بخش دولتی. این اصل "عدم تفاوت"، در صورتی که پروسه تحول مالکیت از دولت به بخش خصوصی و برعکس، کمترین تاثیری در شرایط کار و دستمزد و مزایا و امنیت شغلی و بیمه و آینده کارگر نمیگذاشت، تماماً موجه بود. اما متأسفانه اینطور نیست، شاید این فرمولبندی در ذهنیت مجرد مکانی پیدا کند اما واقعیت جان سخت تماماً متفاوت از هارمونی فکری گوینده آنست. و این تفاوت از برتری سرمایه دولتی و یا علاقه به دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار در ایران درنیامده است، بلکه حاصل یک تاریخ و تحولات سرمایه داری و همینطور دهه های متمادی مبارزه کارگری است.

تحولات سرمایه داری معاصر

یک هدف از واگذاری مراکز تولید مادی و غیر مادی به بخش خصوصی، چابک کردن کارکرد سرمایه، کم کردن هزینه های دولت و بعبارتی که امروز بیشتر جا افتاده است "کوچک کردن دولت"، برداشتن قوانین دست و پا گیر و مقررات زدائی برای حرکت سرمایه تحت عنوان تسهیلات، بالا بردن نرخ سوددهی، کوتاه کردن دور گردش سرمایه، تعدیل نیروی کار، زدن بیمه ها و هزینه های جاری کارفرمایان، از بین بردن قراردادهای دستجمعی و استخدام رسمی و مرکزی، قراردادی کردن کار در پریودهای کوتاه مدت تر، باز بودن دست کارفرما برای اخراج و بیکارسازی، حمایت دولتی با تصویب قوانینی در این جهت

نبرد علیه خصوصی سازی ...

و جاری کردن انواع قراردادهای روزمزد و سفید امضا و یکماهه و سه ماهه و غیره است.

خصوصی سازی بخشی از تحولات در تجدید سازمان کار در سرمایه داری است که از اواخر دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد در سطح جهانی و در مقیاس وسیع شروع شد و در کشورهایی مانند ایران نیز همین روال بدرجات مختلف پیش رفته است. سازمان کاری که بعد از بحران دهه سی با اصطلاح فوردیسم و مدیریت تیلوریستی و بعدها مدیریت ژاپنی، با تمرکز تولید و صنایع بزرگ و با مکانیزه کردن کار و استاندارد کردن تولید خودکار، بویژه بعد از جنگ دوم و پاسخ به نیازهای بازسازی سرمایه داری شکل گرفت. در ایندوره سوسیال دمکراسی و دولتهای رفاه و اقتصاد کینزی خط مشی حاکم و مدل رشد سرمایه داری است که در متن تقابلهای جهانی سرمایه داری با کمونیسم، به یک سازش با طبقه کارگر تن داده بود. ایندوره با درجه ای از رفاه و حقوق کارگران، امنیت شغلی، تعهد دولت به شهروند، برسمیت شناسی حقوق و آزادیهای فردی تا آنجا که محل کارکرد سرمایه نباشد و افزایش مصرف همراه است. با اولین طلیعه های بحران و بن بست بلوک شرق و از نفس افتادن سوسیال دمکراسی در غرب و تعرض راست جدید در آمریکا و انگلستان، تاجریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم، با عروج چند ملیتی ها در بازار جهانی، انقلاب انفورماتیک و تحولات در تولید و سازمان کار، گلوبالیزاسیون در کنار ایدئولوژی آنتی کمونیسم، اصل تعهد جامعه به فرد و تضمین جامعه برای همان تقسیم نابرابر یک ثروت بین شهروندان، دوران پست فوردیسم آغاز می شود. دوره ای که صنایع بزرگ به کشورها و حوزه های کار ارزان انتقال می یابند و قراردادهای تجاری بین المللی و منطقه ای رواج پیدا میکند. بدنبال قرارداد نفتا در آمریکای شمالی، مثلا در ماکیلادورای مکزیکی کارگر با روزی دو دلار بجای کارگر آمریکائی و کانادائی که ساعتی سی تا چهل دلار حقوق می گرفت، ماشین فورد و کرایسلر را تولید میکند. تولید انبوه با مدیریت تیلوریستی جای خود را به تخصص حرفه ای متناسب با تحولات تکنولوژیکی، و نظارت بر اجرای مقررات در سیستم فوردیستی جای خود را به مقررات زدائی در پست فوردیسم میدهد. تحولی که حقوق و دستاوردهای سالهای طولانی طبقه کارگر را در مقیاس وسیع مورد تهاجم قرار داد. نتیجه این تحولات امروز اینست که چین به بزرگترین کارگاه جهان بدل شده و کشورهایی مانند بنگلادش و هندوستان از جمله مراکز تولید کالاهای شرکت های بزرگ و مزن های بین المللی پوشاک است. در سیستم فوردیستی کارفرما میتواند دولت را یا خصوصی باشد اما حقوق کار و بالا رفتن سطح دستمزدها و قراردادهای ایمن جمعی عمدتا توسط اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، جزو لاینفک آن بود و به این معنا برای کارگر تفاوتی نداشت که کارفرما سرمایه دار بخش خصوصی یا دولتی است.

شرکتهای پیمانی

شرکتهای پیمانی یکی از نتایج تحولات در سازمان کار است که در چند دهه گذشته با سرعت سرسام آوری در تمام قلمروهای زندگی مانند انگل

ها رشد کردند. شرکت های پیمانی پدیده ای شبیه دلال و واسطه بین کارگر و شرکت مربوطه است. کارگر نفت و ایران خودرو بعنوان مثال دیگر استخدام رسمی وزارت نفت و مجتمع ایران خودرو نیست، بلکه عمدتا و امروز میتوان گفت کسر حدود نود درصد از نیروی کار، مستقل از اینکه کجا کار میکند و چه تخصصی دارد، از طریق یک شرکت پیمانی واسطه مشغول به کار است. پرستاران شرکتی، معلمان پیمانی، کارگران پیمانی و قراردادی، کارگران رسمی، انواع قراردادهای، این سیمای کنونی بازار کار است. دیگر پدیده ای بنام امنیت شغلی محلی از اعراب ندارد. کارگر نفت بعد از نه سال سابقه کار هنوز قراردادی و پیمانی است و وزارت نفت حاضر به استخدام مستقیم آنها نیست. شرکتهای پیمانی کارشان تامین نیرو در بخشهای مختلف یک خط تولید است. تولید یک پروسه واحد است که اجزای آن با تقسیم کار و مدیریت از هم منفک میشود. کارگر نفت بعنوان مثال در هر قسمت استخراج، تولید، پالایش، سویچینگ، پایپینگ، اداری، انبار، ترانسپورت و ... کار کند، قبلا کارگر نفت و استخدام رسمی وزارت نفت بود. از قرارداد رسمی و مزایای استخدامی و سطح حقوقی وزارت نفت برخوردار بود. در شرکتهای دیگر و بخشهای خدماتی و درمانی و آموزشی نیز به همین ترتیب. امروز دستکم ده الی بیست شرکت پیمانکاری در هر شرکت کار میکنند که با شرکت مربوطه قرارداد می بندند که این تعداد نیرو با تخصص و توانائی معین را نیاز دارد و این مقدار حقوق برای آن می پردازد. شرکت پیمانی سراغ تامین نیرو میرود و سعی میکند با ارزانهترین قیمت نیروهای مربوطه را در هر بخش استخدام کند. در این میان شرکت پیمانی طرف حساب مثلا کارگران پایپینگ است و نه شرکت نفت. وزارت نفت برای کارگری که برایش کار می کند تعهدی ندارد، بلکه با کارفرمای شرکت پیمانی طرف است و کارگر نیز به همین ترتیب. یکی از کارگران فولاد در این زمینه میگفت در یک محوطه شش متری حدود ده کارگر برای انجام وظایف مختلف کار میکردیم و حقوق ها تا چند میلیون تفاوت داشت، هر یک یا دو نفر استخدام یک شرکت معین پیمانی بودند. این یعنی قصابی طبقه کارگر و کارگران یک صنعت معین بین کارفرمایان متعدد پیمانی، عواقب بسیار وخیمی ببار آورده است. از کاهش مرتب حقوق و مزایای کارگری تا بیمه ها که اصولا پرداخت نمی شود، از عدم امنیت شغلی تا محرومیت از مزایای استخدامی در شرکتی که فی الحال و بعضا سالها برای آن کار میکنی، از ایجاد تبعیض رسمی و قانونی بین کارگران تا ایجاد رقابت و شکاف براساس محل تولد و مذهب و ملیت و غیره، همه با هدف جلوگیری از اتحاد کارگران برای درد مشترک صورت گرفته است. کارگر وقتی میخواهد اعتصاب کند و یا از کارگر بغل دستی حمایت کند، با این مسئله مواجه است که شما استخدام شرکت دیگری هستی و به تو ربطی ندارد. چرا که وجود شرکتهای متعدد در دل یک شرکت و محل کار واحد، نه فقط از اتحاد و یکدلی کارگران جلوگیری میکند بلکه اساسا برای ارزان تر کردن کل هزینه تولید با تشدید استثمار و حقوق های پائین، بالا بردن سطح رقابت و صنفی گری میان کارگران، ممانعت از وحدت و تشکل کارگری و اعتراض و اعتصاب، بشدت سخت کردن کار سازمانده و رهبران کارگری، ایجاد ناامنی برای کارگر که هر لحظه و به هر بهانه ای بتوان اخراج کرد، و مهمتر رفع مسئولیت تام از شرکت مادر و وزارتخانه ها و ارگانهای تابعه در قبال کارگر است. کارگر را به شرکت پیمانی بعنوان واسطه سپرده اند و شرکت پیمانی

نبرد علیه خصوصی سازی ...

این وسط سهم مهمی از دستمزد کارگر را بالا می کشد و به کارفرمایان این سرویس را میدهد که قانوناً تعهدی نداشته باشند. وجود چند ده هزار شرکت پیمانی در ایران و در رده های مختلف میتواند یکی و فقط یکی از مشکلات عدیده طبقه کارگر را ترسیم کند. شرکتهایی که بخشاً توسط خود کارفرمایان با اسامی دیگری افتتاح و ثبت می شوند و هدفی جز دادن دستمزد کمتر، فقدان مسئولیت و ایجاد ناامنی بیشتر برای کارگر جهت تبعیت برده وار ندارند. شرکتهای پیمانی یک زنجیره برده داری مدرن است که همه جای دنیای سرمایه داری امروز وجود دارد و یک فرد یا یک اتاق و یک آگهی تحت عنوان شرکت ایکس مشغول بکار است و حتی راساً کمترین تخصصی در آن کار ندارد. یک مشت زالو، مفتخور، گردنه بگیر، دزد و قیچ، که هر از چندگاهی اعلام ورشکستگی می کنند و یا با حقوق کارگران ناگهان غیب می شوند یا دستجمعی کارگران را بیکار می کنند! شرکتهای پیمانی دوقلوی خصوصی سازی و جزو لاینفک واگذاری اموال عمومی به سرمایه داران بخش خصوصی هستند و یک وجه مهم تقابل با خصوصی سازی بناچار تقابل با شرکتهای پیمانی است.

بازار بورس

یک وجه دیگر این تحولات مالی سازی و قدرتگیری سرمایه مالی و بانکی و گسترش بازار بورس است. بازار بورس در سرمایه داری قدیمی است اما در تحولات دهه های اخیر، بورس سرمایه، بورس کالا، فروش از طریق بورس یک نرم است و بازار بورس و شاخص های بورس یک رکن فعالیت اقتصادی و خیر روز است. در این میان شرکتهای صنعتی و غیر صنعتی تا بیمارستان و مراکز آموزشی و بیشتر آنچه که در بازار مبادله می شود، امروز در بازار بورس حضور دارد و یا تدریجاً بصورت سهام عرضه می شود. تا به بحث ما مربوط میشود، در کنار شرکتهای پیمانی شرکتهای سرمایه گذاری متعدد نیز ایجاد شدند که کارشان اینست که سهام شرکتهای، صندوق های بیمه و بازنشستگی را در بازار بورس سرمایه گذاری کنند و یا با شرکتهای معین جهت تداوم فعالیت اقتصادی سرمایه اولیه را تامین کنند. دست اندازی به اندوخته های طبقه کارگر و صندوق های بیمه و بازنشستگی و قمار با آن در بازار بورس بدون اینکه فرد خودش اختیاری بر آن داشته باشد، یک وجه دیگر این تحولات است. اینروزها زیاد با این موضوع برخورد می کنید که کارگران مثلاً معادن اعتراض دارند که مخالف واگذاری سهام معدن یا صندوق بیمه فولاد به بازار بورس هستند و برای جلوگیری از این اقدام دست به اعتصاب میزنند. مثل اینست یکی آمده منزل شما را بدون اجازه شما به کسی دیگر میفروشد و به شما قول میدهد که برایتان سود می آورد! این مجموعه و تبعات آن که بسیاری اوقات بدور از چشم کارگر و با توافق کارفرمایان صورت می گیرد، از وجوه مبارزه کارگران با خصوصی سازی است.

سازمان خصوصی سازی، هیئت داور

سازمان خصوصی سازی وابسته به وزارت اقتصاد وظیفه واگذاری شرکتهای به بخش خصوصی را دارد. این سازمان برای خصوصی سازی در جمهوری اسلامی مواردی را در نظر گرفته که تحرک تولید و کسب سود و رشد اقتصادی و طبعاً مدیریت و توانایی و تخصص و

ایجاد اشتغال، از رئوس فرمال آنند. میگویم فرمال، چرا که در کشورهایی که اقتصاد حساب و کتابی دارد این هنوز رعایت نمی شود. در ایران که یک تورنمنت بچاپ بچاپ راه افتاده است و همه چیز در دست هزارفامیل جمهوری اسلامی است، حتی سوال کردن هم جرم محسوب میشود. خصوصی سازی در ایران با یک فساد گسترده و نابودی مراکز صنعتی و بیمارستانی و آموزشی عجین است که بیکاری وسیع و به خاک سیاه نشاندن صدها هزار خانواده کارگری از نتایج آنست. کیس هفت تپه یکی از موارد بیشتر شناخته شده است اما دهها هفت تپه در ایران وجود دارد. مواردی که مسئله خصوصی سازی با بحران حاد روبرو شده و اعتراض کارگران به یک مسئله سیاسی بدل شده است، جمهوری اسلامی تلاش کرده با مدیریت مسئله عقب بنشیند و مواردی که چنین زوری بالای سرش نبود، هرطور مایل بوده رفتار کرده است. اگر واگذاری یک شرکت و خصوصی سازی به هر دلیل فسخ شود، این هیئت داور دیوان محاسبات کشور است که باید در مورد آن رای بدهد که افراد نشسته در این ارگان نیز ترکیبی از اعضای اتاق بازرگانی و کسانی است که خط مشی اقتصادی هار بازار آزادی را تعقیب میکنند. در مورد هپکو در ماههای قبل و دشت مغان در روزهای اخیر، هیئت داور رای به بازگشت به بخش دولتی داده است. اما مورد کارگران راه آهن بشدت تاسف بار است. شرکت تراورس، همان نگهداری خطوط ابنیه فنی راه آهن در کشور است که بیش از ۷۰۰۰ کارگر دارد. تراورس را به شرکت "امیر منصور آریا" واگذار کردند که از پیشگامان مشهور اختلاس و فساد سه هزار میلیارد تومانی است و خود وی نیز اعدام شد. بدنیاال این فساد و جنجال حول آن، هیئت داور دیوان محاسبات در اردیبهشت ماه سال جاری شرکت تراورس را به دولت و شرکت راه آهن بازگرداند. در این فاصله آوار خصوصی سازی و فساد گروه آریا برسر کارگران خراب شده بود و بدلیل مسدود شدن حسابهای این شرکت، کارگران برای دریافت حقوق و مزایا با مشکلات جدی روبرو بودند. با اینحال کارگران امیدوار بودند که به روال بهتری برمی گردند. اما شش ماه طول نکشید که همان هیئت داور رای را در آبانماه عوض کرد و مجدداً تراورس را به همان گروه فاسد بازگرداند! معامله ای بین دولت و کارفرما و سازمان خصوصی سازی و شرکا صورت گرفت و کار و زندگی و موقعیت شغلی هفت هزار کارگر وجه المصلحه قرار گرفت. اعتصاب سراسری و مکرر کارگران ریل آهن بدلیل فقدان ایمنی محیط کار، حقوقهای معوق، بلاتکلیفی وضعیت شرکت و اعتراض به این رای هیئت داور صورت می گیرد.

مخالفت با خصوصی سازی

امروز در میان بخشهای مختلف طبقه کارگر مخالفت با خصوصی سازی بشدت بالا گرفته است. مسئله روشن است و با کلیشه "سرمایه، سرمایه است و خصوصی و دولتی فرقی ندارد" نمیتوان به این معضل جواب داد. فرض حاکم بر این کلیشه شرایط یکسان است، اما دیگر در دوره فوردیسم زندگی نمی کنیم، هرچند همان زمان هم شرکتهای معتبرتر دولتی و بزرگ خصوصی با مراکز کوچک تر فرق داشتند. ماحصل این روند نابودی کارگران و تمام دستاوردهایی بوده است که طی دهه های متمادی بدست آورده اند. مخالفت کارگر با خصوصی سازی نه از عشق به دولتی شدن و کارفرمای دولتی، بلکه بدلیل عواقب بلافصل خصوصی سازی بر موقعیت شغلی، ایمنی کار، امنیت شغلی، قراردادهای، دستمزدها، مزایا، سیاستهای تولیدی، تعدیل نیروی کار و حراج اندوخته های کارگران در بازار بورس است. بعبارت دیگر کارگری که نزدیک دو سه دهه کار کرده است و اگر شانس یاری کند و در محل کار

میراند. این بویژه در شرایط وخیم اقتصادی ایران و نیاز به یک راه حل کارگری و سوسیالیستی جایگاه این خط مشی تاکتیکی را صد چندان تاکید می کند.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۰

نبرد علیه خصوصی سازی ...

در شرایط ناامن به قتل نرسد و بازنشسته شود، امیدش بیمه بازنشستگی است. با این روند عمدتاً آواره خیابان می شوند، بیکار و از زندگی ساقط و سر پیری به فردی ورشکسته بدل میشود که هیچ جا جوازش را نمی دهند. در مواردی سرمایه دار همراه با سرمایه عظیمی فرار کرده است و یا شرکت را به فرد ثالثی فروخته است، نه فقط کارگر خبر ندارد بلکه مالک جدید اساساً تعهدی در قبال کسی ندارد و مثلاً میخواهد شرکت و ماشین آلات را اوراق کند و بسازد و بفروشد راه بیاندازد. به وضعیت هیکو و آذرباب و بسیاری از شرکتها نگاه کنید تا منشأ اعتراض کارگران را دریابید.

چه باید کرد؟

مبارزه ای که علیه خصوصی سازی در گوشه گوشه جامعه در جریان است را باید در وضعیت کنکرت سیاسی ایران ضرب کرد. تفاوت بزرگی بین مبارزه کارگران مثلاً هندوستان با کارگران ایران در مبارزه با خصوصی سازی وجود دارد. در ایران ما با یک بحران سیاسی و حکومتی روبرو هستیم که فعلاً دولت هندوستان با آن روبرو نیست. بعبارت دیگر مبارزه علیه خصوصی سازی در ایران نه تنها به یک مبارزه گسترده سیاسی علیه حکومت و علیه فعال مایشائی سرمایه گره خورده است بلکه بر اهمیت تعیین کننده حضور طبقه کارگر در قلمرو سیاسی در متن این اوضاع تاکید می کند.

حزب حکمتیست همراه با کارگران بر این خواستها بعنوان فشرده این مبارزه و شعارهایی که باید برجسته شود تاکید دارد:

- ۱- حذف شرکتهای پیمانکاری از سازمان کار. شرکتهای پیمانی ملغی باید گردند.
- ۲- لغو و ممنوعیت قراردادهای روزمزد و سفید و موقت و پیمانی. انعقاد قرارداد دستجمعی کارگران با کارفرمایان. استخدام رسمی با حقوق و مزایای مربوطه در شرکت مادر.
- ۳- خصوصی سازی باید متوقف شود. دولت موظف به قبول تعهدات و تضمین حقوقی است که در پروسه واگذاری و خصوصی سازی از کارگران سلب شده است.
- ۴- کارگران مخالف واگذاری اموال عمومی، معادن، جنگلها، کارخانجات به افراد حکومتی یا واگذاری صندوق های بیمه و بازنشستگی و سهام کارخانه و معدن به بازار بورس هستند.
- ۵- اعمال نظارت کارگران بر امور در محیط کار و تولید. کارگران خواهان اعمال نظارت کارگری بر عملکرد کارفرمایان و دولت هستند.

مبارزه علیه خصوصی سازی امروز پرچمی برای دفاع از منافع کارگری در رابطه کارگر و کارفرما و بهبود شرایط شغلی و حقوقی کارگران است. این شعار در شرایط سیاسی امروز ایران مطالبه ای سلبی است و به یک معنا به مصاف سیاستهای اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی طی یکدوره بیست ساله میروند. در عین حال در متن سیاست امروز ایران و کشمکش برسر بود و نبود حاکمیت اسلامی، جنبش کارگری با مطالبه نه به مالکیت خصوصی به مالکیت دولتی قناعت نمی کند و جدال برسر مالکیت بطور کلی را جلو

در یک نگاه

در افشای نمایش فریبکارانه "جایزه البرایت"



علیه زنان و ۸ مارس

رحمان حسین زاده

اقدام سبک و وارونه "اهدای جایزه البرایت" نماد ارتجاع کاپیتالیستی آمریکا به زنان و دختران رزمنده ایران آن هم در روز با شکوه ۸ مارس، توهین بیشرمانه به روز ۸ مارس و به مبارزه شجاعانه زنان و دختران آزاده ایران است. انتظار اینست نهادها و تشکلهای و پیشروان جنبش رهایی و آزادی زن با افشای این شگردهای فریبکارانه، و مردود اعلام کردن این ترفند وارونه و سبک نگذارند، به سیمای درخشان جنبش آزادی و برابری زن خدشه ای وارد شود.

نهم مارس ۲۰۲۳

اعتراف به شکست "فرمانده"

نقشه خامنه ای "فرمانده و سازمانده آتش به اختیاران" حکومتی در طرح سبغانه مسمومیت دختران به گل نشست. جلال سردسته "خودسران" مجبور به توقف آن شد. اذعان کرد که "افراد و گروههایی" بدون آنکه بتواند به "دشمن و اسرائیل" ربط دهد، لابد از درون نظام دست اندرکار این جنایات بزرگ اند. با مانور آخوندی و حقه بازانه خواستار "اشد مجازات مسیبین" شد. این اعتراف به شکست و تلاش مذبحخانه برای سروته آوردن آن است. کور خوانده است. تازه سرآغاز اعتراضات کوبنده علیه این جنایات هولناک است. با تظاهراتها و تجمعات گسترده و سازمان یافته در مدارس و دانشگاه و خیابان و شهر و نه تاکتیک مضر تعطیلی مدارس میتوانیم جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه نزدیک کنیم. آنوقت خامنه ای و همه جانپان همکارش را محاکمه و مجازات میکنیم.

هفتم مارس ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست کمک مالی کنید!

چهارشنبه سوری؛

فرصتی برای مقابله با جنایتکاران اسلامی!

امیر عسگری

چهارشنبه سوری فارغ از مناسبتی که در اصل ریشه در فرهنگ زرتشتی دارد، در چهار دهه گذشته به روز آتش بازی و کارناوالی بدل شده است که در آن جوانان همراه با رقص و شادی با آتش بازی و پرتاب نارنجک دست ساز، انزجار خود را از جمهوری اسلامی نشان می‌دهند. دختران و پسران با رقص و شادی در کنار هم نشان می‌دهند که از فرهنگ اسلامی تحمیل شده جمهوری اسلامی بیزار هستند.

امسال شرایط متفاوت است و در دل دوره انقلابی بسمت چهارشنبه سوری می‌رویم و این در شرایطی است که حکومت کمر به قتل دانش آموزان دختر در مدارس بسته و آنان را به جرم مخالفت با آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی مورد حمله شیمیایی قرار می‌دهد. در شرایطی که طبقه کارگر به فکر تشکل یابی است و بخشهای مختلف از کارگر و معلم و بازنشسته و دانشجو دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند، جامعه در حال آماده سازی دوباره خود برای دوام اعتراضات انقلابی میدانی و شهری در برابر حکومت اسلامی و دستگاههای سرکوب آن است.

چهارشنبه سوری امسال در چنین فضایی میتواند در عین شادی و رقص و زیرپا گذاشتن مقدسات حکومت که بسیار بجاست، به فرصتی برای اعتراض در محلات و کف خیابان تبدیل شود و از آن نهایت بهره را برد. میتوان در این روز در برابر حکومت با هر شکل ممکن اعتراض کرد و مراکز سرکوب و ترویج ایدئولوژی حکومت

را نورانی کرد و جواب دندان شکنی به سرکوبگران خامنه ای داد. باید از نسل‌کشی و خرافات ناسیونالیستی که توسط جریان‌های راست ناسیونالیست و عظمت طلب در اینمورد سرهم میشود وقعی نگذاشت و از فرصت برای مقابله با حکومت و کنترل محلات استفاده کرد.

پرتاب ترقه، آتش بازی، روسری سوزان، رقص جمعی زن و مرد، سازماندهی جوانان انقلابی محلات برای مقابله با ارگان‌های سرکوب در کف خیابان می‌تواند از اقدامات چهارشنبه شب آخر سال باشد و آنرا به تداوم خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی وصل کرد.

از این رو تشکل های جوانان انقلابی محلات در شب چهارشنبه سوری ۱۴۰۱ لازم است هر آنچه از دستشان بر میآید برای سازماندهی هرچه تعرضی تر این روز در جهت بدل کردن آن به میدان مقابله با جمهوری اسلامی بکوشند.

۹ مارس ۲۰۲۳



برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز!



اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فعالیت‌های حزب در روز جهانی زن

هشت مارس امسال بگواه رسانه های متعدد، نه صرفاً روز اعتراض به عدم پرداخت حقوق برابر در مقابل کار مشابه، که این خود خواسته ای برحق و مهم است، که سیاسی ترین روز سال با خواسته های بسیار شفاف تظاهرات کنندگان و نه به جوامع نابرابر تحت حاکمیت سرمایه از فرانسه تا بنگلادش و از ایران و ترکیه تا نروژ بود. در تظاهراتی روز زن در ترکیه باندورل اول را زن زندگی آزادی و دفاع از خیزش انقلابی در ایران تشکیل میداد. در کشورهای مختلف از جمله انگلستان، آلمان، سوئد و ترکیه کارگران و احزاب چپ از جنبش انقلابی در ایران دفاع کردند و در بسیاری از جلسات و اجتماعات و سخنرانیهای اینروز به اهمیت تحول انقلابی در ایران و دفاع از مبارزه زنان اشاره شد. در بیشتر کشورها تا جایی که گزارشها منتشر شدند، حمایت از برآمد انقلابی و زن محور در ایران در روز جهانی زن یک محور سخنرانیها و شعارها بود. زنان انقلابی ایران امسال در هشت مارس جهان حضور داشتند.

بعنوان مثال رسانه های آلمان از حداقل دو تظاهرات بزرگ در همجواری یکدیگر در برلین گزارش دادند که کمترین خواسته آنان، حقوق برابر برای کار برابر بود. در صف مقدم این اعتراضات، دفاع از انقلاب زنانه در ایران و دفاع از مبارزات قدرتمند زحمتکشان فرانسه به حملات جدید دولت ماکرون تحت نام "رفرم در بازنشستگی" برای هرچه بزرگتر کردن فاصله طبقاتی بین سرمایه داران و طبقه کارگر بود. دفاع از خیزش انقلابی در ایران و بخصوص مبارزات قهرمانانه زنان و محکوم کردن سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی، محکوم کردن مسمومیت دختران توسط #علی_شیمیایی، در تمامی تظاهراتی روز جهانی زن در آلمان حرف اول را میزد. خیزش انقلابی و انقلاب زنانه در ایران، نه تنها در ایران، بلکه در اروپا روح تازه ای به مبارزات طبقه کارگر و آزادیخواهان داده است.

اعضای حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن در همراهی با مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در روز جهانی زن ۲۰۲۳ و برجسته کردن و آگاهگری در باره خیزش انقلابی در ایران، در اجتماعات و تظاهراتها و سمینارها و جلسات مختلف فعالانه شرکت کردند.

کلن: اعضای حزب حکمتیست به همراه شورای واحد شهر کلن در مارش شهر کلن شرکت کرد، صدها نفر از سازمانها و احزاب چپ و کمونیست در این تجمع حضور داشتند و از سوی نمایندگان احزاب از خیزش انقلابی ایران و انقلاب جاری زنانه در ایران با شعار زن، زندگی، آزادی دفاع شد. اجتماع هشت مارس کلن همانند اغلب شهرهای اروپا در هوای بد و سرمای شدید اما با استقبال روبرو شد.

زیگن: سازمان مادر بزرگ ها علیه راست (Omas Gegen Rechts) پیش تر در تجمع مشترک واحد زیگن حکمتیست حضور داشته و ضمن حمایت از اعتصاب ۱۴ الی ۱۶ آذر ۱۴۰۱ در تجمع برگزار شده حمایت خود را با شعارهای زن زندگی آزادی اعلام کردند. حمایت سازمان (مادر بزرگ ها علیه راست) از مبارزات زنان در ایران، شرکت در جلسه این گروه و گرفتن حمایت در صفحات اجتماعی واحد شهر زیگن و واحد مرکزی این نهاد سراسری در برلین از جمله از فعالیت‌های حزب حکمتیست در این واحد بود است. دریافت حمایت از حزب چپ آلمان واحد جنوب نوردراین-وستفالن با چاپ پوستر بالوگوی این حزب و پیام تصویری به همراه مسئولین و رهبری این واحد یکی دیگر از اقدامات رفقای ما از جمله رفیق فاطمه عسگری و امیر عسگری بود. همچنین تشکیلات ما با ارتباط با نماینده مجلس حزب چپ آلمان (Gökay Akbulut) موفق شدند که حمایت حزب چپ واحد منطقه را از مبارزات زنان ایران و بخصوص از سهیل عربی بدست آورند. نماینده مجلس حزب چپ همچنین در صحنه علنی سازمان ملل در ۸ مارس در نیویورک از مبارزات آزادیخواهانه و برحق زنان ایران حمایت کرد.

برلین: در برلین دو تظاهرات یکی از طرف اتحادیه های کارگری و دیگری از طرف حزب چپ و جمع دیگری از سازمانها و احزاب چپ برگزار شدند که اعضای حزب در تظاهرات چپا شرکت داشتند. در مجموع بیش از پنج هزار نفر در این دو تظاهرات شرکت داشتند. دفاع از مبارزات زنان در ایران و محکومیت سرکوب وحشیانه جمهوری در هر دو تظاهرات جزو خواسته های مهم هر دو این تظاهراتها بود.

استکهلم: کمیته استکهلم حزب کمونیست کارگری- حکمتیست با فراخوان برای تظاهرات هشت مارس روز جهانی زن و در دفاع از برابری بی قید و شرط بین زن و مرد و روز نماد به پا خواستن زنان کارگر علیه نابرابری در سلوسن به همراهی دیگر کمونیستها و چپا بیکت اعتراضی برگزار کرد که با پرچمهای سرخ و شعارهای رادیکال همراه بود.

حزب چپ سوئد در یک آفیش تبلیغاتی با عکس مهسا امینی و عنوان "زن زندگی آزادی، حمایت از انقلاب" از انقلاب در ایران حمایت و خواهان محکومیت خشونت رژیم و توقف آزار

فعالیت‌های حزب در روز جهانی زن ...

شهروندان، آزادی فوری زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان و حمایت سوئد و اتحادیه اروپا از کسانی شدند که از دست رژیم فرار کرده اند.

گوتنبرگ: در روز ۸ مارس تشکیلات حزب حکمتیست در شهر گوتنبرگ همراه با فعالین سازمان آزادی زن و بیش از دوهزار نفر از مردم آزادیخواه و برابری طلب در تظاهرات کمیته ۸ مارس که با تم زن، زندگی، آزادی در همبستگی با مبارزات زنان در ایران شرکت نمود. شرکت نهادها، سازمانها و احزاب چپ ایرانی در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود. حزب حکمتیست و سازمان آزادی زن با پلاکاردهای نه به آپارتاید جنسی، سرنگون باد جمهوری اسلامی دیده می شد. آفیش های زندانیان سیاسی مانند رضا شهابی، سپیده قلبان و عکسها و پوسترهای جانبختگان و اعدامیهای انقلابیون در دست شرکت کنندگان دیده می شد. شعارهایی مانند زنده باد آزادی زن، زنده باد سوسیالیسم، مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران، نه روسری نه توسی آزادی و برابری، در میان صف احزاب و شرکت کنندگان ایران به کرات شنیده شد.

سمنار و جلسات: روز ۳ مارس ۲۰۲۳ مراسمی از طرف کانون همبستگی با مبارزات مردم ایران در شهر گوتنبرگ در گرامیداشت روز زن برگزار گردید. پروین کابلی از حزب حکمتیست در این مراسم با تم "آزادی زن در گرو پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی است" و چرا انقلاب جاری در ایران انقلابی زنانه نام گرفته است سخنرانی نمود. او در صحبت های خود با اشاره به تاریخ نوین مبارزات زنان در ایران از ۸ مارس ۱۳۵۷ تاکنون سیرتحولات این جنبش را تشریح نمود و خصوصیات جنبش آزادی زن را برای برابری و آزادی و رفاه و جهانی بودن آن را برشمرد و بر این مسئله تکیه نمود که با توجه به این خصوصیات به حق این انقلاب به عنوان انقلاب زنانه نام گرفته و برای پیروزی تنها حضور یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران می تواند این جنبش را به پیروزی برساند. این سخنرانی با استقبال شرکت کننده گان روبرو شد.

روز ۷ مارس در کنفرانسی که در پلاتفرم زوم ترتیب داده شده بود کادرهای حزب و فعالین کمونیست کارگری شرکت داشتند و سخنرانی کردند. سخنرانان عبارت بودند از: پروین کابلی، مهین علیپور، مرصده قاندى، آذر ماجدی، مینا احدی، ملکه عزتی، مریم نمازی، دیانا نامی، هما ارجمند، هلاله طاهری، مرجان علیپور، ثریا شهابی، هلاله رافع، عطیه نیک نفس، مهشاد افشار، نسرين رمضانعلی.

لندن: تظاهرات هشتم مارس در لندن در مقابل سفارت رژیم آپارتاید جنسی، رژیم بچه کش هار اسلامی برگزار شد. تظاهرات لندن با وجود هوای بسیار بد با حضور صدها مبارز و کمونیست برگزار شد. از طرف حزب حکمتیست در این تظاهرات رفیق هلاله طاهری سخنرانی



کرد.

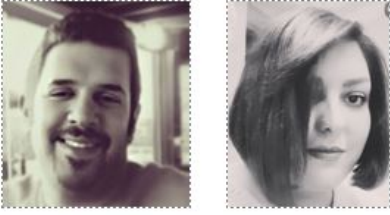
در این تظاهرات جان مک دونالد از گرایش چپ حزب لیبر و مسئول کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران در دفاع از انقلاب ایران سخنرانی کرد و خواهان بستن سفارت تروریستی اسلامی شد. همینطور دانیل راندال نماینده کارگران ترانسپورت در حمایت از انقلاب در ایران و جنبش کارگری و مبارزه زنان در ایران سخنرانی ایراد کرد. این سخنرانیها مورد استقبال وسیع شرکت کنندگان قرار گرفت.

اسلو: هشت مارس اسلو با وجود سرمای نسبتا شدید، بسیار پرجمعیت و رادیکال بود. سخنرانی ها، پارول ها و بنرها سرخ و انقلابی بودند. بنر اصلی در مراسم که از طرف برگزارکنندگان انتخاب شده بود شعار "زن زندگی آزادی" بود. سخنرانی ها در مورد خیزش انقلابی و رهبری و نقش زنان در این خیزش و اعلام حمایت از آنها بود. مسئله سلامت و بهداشت زنان خصوصا زنان تن فروش، مسئله امنیت آنها و حمایت از زنانی که در زلزله ترکیه سوریه دچار خسارت مالی و جانی شده بودند حمایت از زنانی که زیر خشونت شدید برای ایجاد درآمد از طرف باندهای قاچاق به کشورهای اروپایی فرستاده می شوند از دیگر مواردی بودند که در تظاهرات هشت مارس اسلو مورد اشاره قرار گرفتند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۸ اسفند ۱۴۰۱ - ۹ مارس ۲۰۲۳

مرگ بر حکومت کودک کش!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

گزارش هشت مارس روز جهانی زن

روز زن در شهرها کردستان از جمله کامیاران، مریوان، سنندج، سقز، بوکان، بانه، مریوان و در شهرهای مشهد، تهران، کرج و رشت، فعالیت‌هایی بمناسبت روز جهانی زن و تداوم خیزش انقلابی از جمله بفرارستن باندورلهای روز زن، خواندن سرود، اجتماع و تظاهرات، صدور قطعنامه و اقدامات تبلیغاتی صورت گرفت. در عصر روز هشت مارس چند منطقه از شهر تهران از جمله هفت حوض و اکیاتان و ستارخان و نارمک، شهرهای کرج و رشت، شامگاه چهارشنبه همزمان با «روز جهانی زن»، تجمع و تظاهرات با شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی»، «چه با حجاب چه بی‌حجاب، میریم به‌سوی انقلاب»، «مرگ بر دیکتاتور»، سرود خوانی و ... برگزار شد.

در ستارخان تهران شامگاه چهارشنبه هفدهم اسفند ماه جمعی از زنان و مردان به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن اقدام به برپایی تظاهرات خیابانی کردند. معترضان با سردادن شعار «عامل هر جنایت، حکومت‌ه حکومت» و «بسیجی، سپاهی، داعش ما شما بیاید» نسبت به حملات انجام شده با گاز سمی به مدارس و دانش‌آموزان دختر اعتراض کرده و جمهوری اسلامی را عامل این حملات و مسموم‌سازی دانش‌آموزان خواندند. در ادامه تظاهرات روز زن در ستارخان، معترضان اقدام به سردادن شعارهایی چون «مرگ حکومت بجهکش» و «مرگ بر دیکتاتور» کردند.

جمعی از زنان در منطقه هفت حوض نارمک در شرق تهران نیز شامگاه چهارشنبه همزمان با روز جهانی زن اقدام به تظاهرات خیابانی و سردادن شعارهایی در حمایت از حقوق زنان و همچنین شعارهایی علیه جمهوری اسلامی مانند «مرگ بر دیکتاتور»، «بسیجی، سپاهی، داعش ما شما بیاید»، و «زن، زندگی، آزادی» کردند. نیروهای امنیتی و یگان ویژه پس از شکل‌گیری تظاهرات روز جهانی زن در هفت حوض نارمک، به زنان و مردان حاضر در این تظاهرات شایک گاز اشک‌آور و سلاح‌های ساچمه زن یورش بردند.

گوهردشت کرج نیز شامگاه چهارشنبه شاهد تظاهرات جمعی از زنان همزمان با روز جهانی زن بود. زنان در جریان تظاهرات شبانه در گوهردشت شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی» سردادند.

در شهر رشت هم شامگاه چهارشنبه جمعی از زنان در چند منطقه این شهر از جمله در محدوده خیابان مطهری، اقدام به تظاهرات به مناسبت روز جهانی زن کردند. زنان معترض در تظاهرات روز جهانی زن شهر رشت از جمله شعار «چه با حجاب، چه بی‌حجاب، میریم به سوی

انقلاب» و «زن، زندگی آزادی» سردادند. معترضان همچنین با شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور»، «راه نفس بریده، جنبش ادامه می‌دهد»، «پیش به‌سوی زندگی، زنانگی، تنانگی» به اعتراضات خود ادامه دادند. طبق ویدیوهای منتشر شده جمعی از زنان نیز با تجمع در یکی از خیابان‌های شهر رشت اقدام به همخوانی سرود «تغییر برای برابری» مشهور به «سرود برابری» کردند.

جمعی از زنان نیز همزمان با روز جهانی زن در مناطق مختلفی از شهر سنندج به برگزاری تجمع و اقدامات چون اهدای گل به زنان و پخش بیانیه‌هایی درباره نقض گسترده حقوق زنان از سوی جمهوری اسلامی کردند. اقدامات نمادین فعالان حقوق زنان در سنندج در حالی انجام شد که فضای این شهر از صبح چهارشنبه و همزمان با روز جهانی زن با استقرار گسترده نیروهای یگان ویژه در خیابان‌های مرکزی شهر به شدت امنیتی بود. نیروهای امنیتی و یگان ویژه تا ساعت‌های پایانی چهارشنبه شب همچنان در میادین و خیابان‌های اصلی سنندج مستقر بودند.

جمعی از زنان نیز روز چهارشنبه همزمان با روز جهانی زن اقدام به پخش بیانیه‌های اعتراضی و بیانیه‌هایی درباره حقوق زنان در سقز، شهر زادگاه مهسا امینی، کردند. صبح هشت مارس نیز جشنی بمناسبت روز زن در یکی از سالنهای ورزشی شهر اجرا شد.

در شهرهای بوکان، بانه و مریوان نیز اقداماتی از سوی جمعهای مدافع حقوق زن در بزرگداشت روز زن برگزار شد. در تعداد دیگری از شهرهای ایران نیز عصر و شامگاه چهارشنبه شاهد تجمع‌های پراکنده، شعارهای شبانه و اقدامات نمادین به مناسبت روز جهانی زن بودند.

تجمع اعتراضی کارگران شاغل در دستگاه‌های دولتی مقابل مجلس

روز شنبه ۱۳ اسفند جمعی از کارگران دولت از جمله کارگران شاغل در وزارت نیرو (کلازرها) با تجمع مقابل مجلس خواستار حذف بند غیرقانونی بودجه شدند. به گفته این کارگران: تعیین دستمزد برای تمام کارگران کشور، چه در بخش خصوصی شاغل باشند و چه در دولت، برعهده شورایی عالی کار است و نباید افزایش دستمزد کارگران دولت در لایحه بودجه مشخص شود. کارگران می‌گویند: از همه‌ی مزایا و امکانات دولت محرومیم اما می‌خواهند افزایش مزد ما را به اندازه‌ی کارمندان در نظر بگیرند، این نهایت بی‌عدالتی‌ست. پس از آن، کارگران مقابل وزرات نیرو رفتند؛ نمایندگان آن‌ها می‌گویند: طرح طبقه بندی ما از سال ۹۹ در وزارت نیرو معطل مانده است؛ انتظار داریم به سرعت این طرح اجرایی شده و موجب افزایش حقوق ما شود.

تجمع کارگران بخش‌های مختلف شهرداری یاسوج مقابل

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

پرداخت بودجه‌های معوقه و رسیدگی به مطالبات معلولان فراخوان تجمع اعتراضی داده بود.

بهاالدین ملکی، معلم بازنشسته در سندانج بازداشت شد

بازداشت و سرکوب هدفمند معلمان صبح سه‌شنبه ۱۶ اسفند در جریان برگزاری تجمع اعتراضی معلمان نسبت به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه ادامه داشت. بنا بر گزارش منتشرشده، روز ۱۶ اسفند، نیروهای امنیتی بهالدین ملکی، معلم بازنشسته، اهل سندانج را بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کردند. تا این لحظه از وضعیت این معلم بازنشسته اطلاع دقیقی در دست نیست. همچنین صبح سه‌شنبه نیروهای سرکوبگر حکومت در پاسخ به تجمع معلمان مقابل اداره آموزش و پرورش سندانج از گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای استفاده کردند و معلمان معترض به وضعیت کنونی را مورد حمله قرار دادند. بنا بر این گزارش تا این لحظه دست‌کم دو معلم در سندانج بر اثر شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای زخمی شدند. قرار بود پیش‌تر تجمع معلمان در اعتراض به وضعیت نا امن مدارس و تداوم حملات شیمیایی به دختران دانش‌آموز، در محوطه اداره آموزش و پرورش سندانج برگزار شود، اما به دلیل بسته بودن درب اداره آموزش و پرورش در خیابان «اکباتان» سندانج برگزار شد.

بازداشت ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان سندانج

در جریان اعتراض معلمان مورد هتاک و هجوم نیروهای انتظامی و لباس شخصی قرار گرفتند که طی آن تعدادی که هویت چهار نفر آنها محرز است مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفتند همچنین یک نفر دیگر از معلمان به نام وریا کریمی نیز بازداشت و به پلیس امنیت منتقل شدند. اعضای هیئت مدیره انجمن که برای پیگیری وضع دوستان بازداشتی به پلیس امنیت مراجعه کرده بودند، که متأسفانه دو نفر دیگر از اعضاء هیئت مدیره آقایان کمال فکوریان و جبار پاکزاد هم بازداشت شدند. در ادامه بازداشت‌ها آقایان مختاراسدی در منزلش و آقای عابد احمدی مقابل پلیس امنیت بازداشت شدند.

بازداشت محمدعلی زحمتکش و غلامرضا غلامی کندازی

محمدعلی زحمتکش بازرس ارشد انجمن صنفی معلمان فارس و غلامرضا غلامی کندازی عضو هیئت مدیره‌ی این انجمن روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ماه ۱۴۰۱ در جریان تجمع اعتراضی معلمان، همراه ۱۷ معلم و آنش آموز مقابل درب اداره کل آموزش و پرورش فارس توسط لباس شخصی‌ها بازداشت شدند. بازداشتی‌ها همان روز بعد از ساعتی آزاد شدند. در تجمع اعتراضی فرهنگیان روز ۱۶ اسفند ماه البرز نیز آقای رحمان عابدینی بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده است.

قوه قضائیه احکام اعدام ۶ زندانی سیاسی در اهواز را تایید کرد

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی، صبح دوشنبه ۱۵ اسفند از محکومیت ۶ زندانی سیاسی در اهواز به اعدام خبر داد. بنا به این گزارش، دادگاه اسلامی اهواز علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خفتری، حبیب دریس، عدنان غبیشاوی و سالم موسوی که در سال‌های ۹۶ و ۹۷ توسط اداره اطلاعات در اهواز و شهرهای اطراف آن بازداشت شدند را به اعدام محکوم کرده است.

استانداری

روز شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۱ کارگران شهرداری یاسوج برای چندمین بار در ماه اخیر در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق معوقه خود تجمع کردند. کارگران شهرداری یاسوج که از مردادماه و شهریورماه تاکنون حقوق معوقه دارند بعد از اینکه از تجمع خود جلوی شورای شهر نتیجه‌ای نگرفتند، این بار جلوی استانداری تجمع کردند، این دومین بار است که کارگران جلوی استانداری تجمع می‌کنند و هنوز در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

۱۴ سال انتظار کارگران شهرداری ایرانشهر برای دریافت عیدی و سنوات

کارگران شهرداری ایرانشهر در آستانه سال نو به دنبال وصول ۵ ماه حقوق معوقه و حدود ۱۴ سال عیدی و سنوات پرداخت نشده خود هستند. جمعی از کارگران مجموعه شهرداری ایرانشهر که در بخش خدمات، فضای سبز و آتش‌نشانی کار می‌کنند، از عدم پرداخت مطالبات معوق خود خیر دادند. این کارگران که در حال حاضر ۵ ماه مزد معوقه طلبکارند، در ادامه می‌گویند: الان ۱۴ سال است که از شروع به کار ما در شهرداری می‌گذرد اما شهرداری اعتقادی به پرداخت عیدی و سنوات ندارد.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و اهواز

روز یکشنبه ۱۴ اسفند جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهرستانهای شوش و اهواز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ادارات تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه دست به تجمع زدند. روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند نیز جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز مجدداً در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی خوزستان در اهواز دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات استانها

روز دوشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، جمعی از بازنشستگان مخابرات استانها در سراسر کشور در اعتراض به تنازل آیین نامه استخدامی و پرسنلی مخابرات، افزایش حق السهم بیمه تکمیلی و عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان در مقابل شرکت مخابرات این استانها دست به تجمع زدند.

اعتراض معلولان در مقابل سازمان برنامه و بودجه

روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۱، جمعی از معلولان و اعضای خانواده‌هایشان و مدیران مراکز نگهداری و توانبخشی و مثبت زندگی بهزیستی، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات ۸ ماهه و عدم پاسخگویی سازمان برنامه و بودجه به مطالباتشان، مقابل این سازمان تجمع اعتراضی بر پا کردند. در روزهای اخیر، کمپین معلولان با توجه به وضعیت اسفبار معیشتی افراد دارای معلولیت، حدود ۵۰ درصد بودجه معوقه، حذف ردیف، و عدم اراده سازمان برنامه و بودجه برای

اعلامیه حزب حکمتیست

روز زن، در حمایت از اعتراض به تروریسم شیمیایی، آتش زدن بنرهای حکومتی و بستن جاده با روشن کردن آتش ادامه داشت.

اعتراضات سراسری علیه حملات شیمیایی به مراکز آموزشی

حملات شیمیایی امروز هم ادامه یافت

امروز ۱۶ اسفند همزمان با اعتراض سراسری به حملات شیمیایی به مراکز آموزشی، به دبیرستان دخترانه در شهر ریجاب در شهرستان دالاهو، به هنرستان نمکی در سنندج، به دبیرستان سمیه در شهر ناغان چهارمحال و بختیاری، به یک دبستان دخترانه در زاهدان، به مدرسه اعتصام در کرمان، چند مدرسه در شهرستان دامغان، یک مدرسه در شهرستان گتوند خوزستان و به خوابگاه دخترانه دانشگاه میبد یزد حمله شیمیایی شد. مجموعاً ۷۰ نفر از مسموم شدگان بیمارستانی شدند. بامداد شب گذشته نیز به دانشگاه محقق اردبیلی حمله شیمیایی شد و از خروج دانشجویان ممانعت بعمل آمد و امروز حراست دانشگاه ضمن تکذیب حمله، بدلیل درج خبر تعدادی از دانشجویان را احضار کرد. همینطور امروز در چند ایستگاه متروی تهران مسافران دچار تنگی نفس و سرفه میشدند و از بوی بد و حالت تهوع معلوم بود که گاز در محل پخش شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به اعتراض معلمان و دانشجویان و دانش آموزان و خانواده‌ها و مردم انقلابی درود میفرستد. این حملات تروریستی کار حکومت است و باید راس حکومت و ارگانهایش را مورد حمله قرار داد و هیچ سناریوی سرهم بندی شده‌ای را قبول نکرد. بویژه باید در مقابل خط منحط اصلاح طلبان که تلاش دارند با بحث "افراد متحجر و سرخود" دست حکومت را پنهان کنند و از آنها طلب "اجرای عدالت" کنند، قاطعانه فاصله گرفت. فردا در روز جهانی زن بر تداوم خیزش انقلابی برای آزادی و برابری و علیه تروریسم شیمیایی حکومت تاکید می‌کنیم. با حملات شیمیایی خیزش انقلابی متوقف نمیشود، عزم ما برای بگور سپردن حکومت اسلامی جزم تر میشود.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۱۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۷ مارس ۲۰۲۳



امروز ۱۶ اسفند با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" و حمایت دانشگاه‌ها، دانش آموزان انقلابی، اولیای دانش آموزان و نهادهای صنفی در اعتراض به حملات سریالی شیمیایی به مراکز آموزشی، اجتماعات بزرگ و کوچکی در شهرهای اصفهان، شیراز، سنندج، سقز، مریوان، مشهد، کرج، لاهیجان، رشت، بابل، هرسین، کاشمر، اهواز، الیگودرز، نورآباد ممسنی، سجاسرود زنجان، بوشهر، همدان، جلفا، کازرون، نیشابور، کرمانشاه، ساری، بجنورد، تاکستان، قزوین، یاسوج و تهران برگزار شد. در تهران که قرار بود مقابل مجلس اسلامی اجتماع برگزار شود، نیروهای سرکوب با مسدود کردن راه‌ها و حملات شدید به اجتماعات بیش از دو نفر از اجتماع معلمان و معترضین ممانعت کردند. با اینحال معلمان و خانواده‌های دانش آموزان و معترضینی که تا ساعت اولیه جمع شده بودند در خیابانهای اطراف برای مدت کوتاهی دست به راهپیمایی زدند و از جمله شعارهای "مرگ بر حکومت بچه‌کش" و "مرگ بر طالبان، چه در ایران چه افغان" سر دادند.

نیروهای امنیتی در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، رشت، کرج، اصفهان و نیشابور بعد از اینکه نتوانستند مانع تجمع شوند به اجتماعات حمله ور شدند. در سنندج با شلیک گاز اشک آور و گلوله‌های ساچمه‌ای حداقل دو نفر را زخمی کردند. در سنندج معلم بازنشسته بهالالدین ملکی، در شیراز دوازده معلم و هفت دانش آموز را بازداشت کردند که ساعاتی بعد آزاد شدند. در مشهد حضور زنان معلم چشمگیر بود و از همان ابتدا با اسپری فلفل و فحاشی و هل دادن و بهانه‌تراشی از اجتماع ممانعت کردند. در گیلان درب اداره آموزش و پرورش محل اجتماع معلمان و دانش آموزان را بستند و برای ممانعت از تجمع با زدن گاز فلفل به اجتماع موجب سرفه شدید معترضین شدند. تجمع کنندگان اما ایستادند و ضمن محکومیت شدید حملات سریالی شیمیایی به مدارس و دانش آموزان و گرامیداشت روز جهانی زن، علیه توطئه ارتجاعی به تعطیلی کشاندن مدارس دخترانه سخن گفتند. در این اجتماع شعارهای "زن زندگی آزادی" و "معلم می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد" سر داده شد. در بیشتر شهرها لباس شخصی‌ها و نیروی انتظامی و پلیس با استفاده از گاز فلفل و باتوم و هل دادن و هتاکی شدید با معترضین برخورد میکردند.

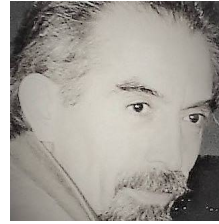
در دانشگاه‌های مختلف نیز شعار نویسی، اجرای پرفورمنس اعتراضی، اجتماع و تظاهرات و سخنرانی برگزار شد. دانشگاه علوم پزشکی تبریز و دانشگاه علامه اجتماعات بزرگی برگزار کردند و حراست دانشگاه علامه با ایجاد درگیری با دانشجویان و هتاکی تعدادی از دانشجویان معترض را بازداشت کردند.

امروز ۱۶ اسفند شعارنویسی علیه حکومت بچه‌کش، در گرامیداشت

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

یادداشتها،

سیاوش دانشور



در باره اهدای «جایزه مادلین آلبرایت به زنان ایران

دولت آمریکا در روز جهانی زن فیلی دیگر هوا کرد. روز ۸ مارس، در مراسم اعطای «جایزه بین‌المللی زنان شجاع ۲۰۲۳» که با میزبانی جیل بایدن، همسر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا و آنتونی بلینکن وزیر خارجه در کاخ سفید برگزار شد، جایزه افتخاری «مادلین آلبرایت» به زنان مبارز ایران اهدا شد.

اسم مادلین البرایت مو بر بدن راست میکند. فردی خشن، بی روح و قاتل که نقش مهمی در جنگهای آمریکا و تحمیل تحریمها و کشتارهای جمعی داشت و خونسردانه می‌گفت قتل بیش از نیم میلیون کودک برای تحمیل قدر قدرتی آمریکا ارزش دارد و بهای زیادی نیست؛ «من فکر می‌کنم این انتخاب بسیار سختی است، اما بهای ما فکر می‌کنیم، ارزش آن را دارد.»

حالا زنان آزاده و انقلابی در ایران چه نسبتی با این قاتل دارند؟ این جایزه افتخاری برای زنان در ایران نه فقط افتخار ندارد بلکه توهین به شعور مردم تلقی میشود. این جایزه را باید به واحد خواهران زینب و کماندوهای زن ارتش سرکوب خامنه ای میدانند که در کنار همکاران مذکرشان به زنان مبارز حمله میکنند، می‌کشند و مثل مادلین فکر میکنند برای بقای نظام و اسلام ارزش آن را دارد و بهای زیادی نیست.

دولت آمریکا با این بازی در کاخ سفید با جمهوری اسلامی به زبان زرگری دیپلماتیک حرف می‌زند. زنان بهانه اند، رژیم مخاطب و نشانه است. تا به جنبش انقلابی و زنان در ایران برمیگردد، نه اهداف و نه انسانیت و منش آزادی‌خواهانه این جنبش، هیچ نسبتی با کابوس مادلین البرایت قاتل کودکان و زنان ندارد. این بساط فریب را جمع کنید!

۹ مارس ۲۰۲۳

مقاومت بی فایده است، شکست خورده آید!

این قیافه‌های پر از کینه و عقده را ببینید! اینها گروه و تیمهای مانور ضد زن «تذکر لسانی» اند، همانها که در دو ساعت مهسا را کشتند. «تذکر لسانی» نام جدید گشت ارشاد است که با این قیافه عجیب و غریب، قرار است با «بی‌حجابی» دربیافتند. این پیاده نظام جنگ شیمیایی علیه زنان و دختران دانش آموز است که می‌خواهد روی دوش آن توحش و تروریسم جمعی، عقب نشینی‌های لازم را به زنان و جامعه تحمیل کند. بعبارتی دقیقتر، می‌خواهد دستاوردهای تحمیل شده

خیزش انقلابی از جمله پرت کردن حجاب اسلامی و عادی شدن نسبی بی‌حجابی را بازستاند.

زنان جسور و نسل جدید بزرگترهای اینها را در تابستان امسال حسابی ادب کردند. در شهریور ماه چنان شوریدیم که هنوز کابوس آن بر عمارت اسلام رعشه می‌اندازد. حالا این مترسک‌ها و امثال آنها در کارخانجات و ادارات و مدارس، زن و مرد انقلابی را نمی‌ترساند بلکه شمایل کریه و وحشت فاشیسم و ضدانقلاب را از اراده بزرگ جامعه برای تغییر می‌بینند.

مقاومت بی فایده است، شکست خورده آید! این مزدوران بی ادب و خشن و آموزش دیده غلط میکنند به کسی «تذکر» بدهند. دخالت در زندگی خصوصی و نوع پوشش مردم ممنوع! اینها اما برای حمله به زنان و ارعاب جامعه آمدند و لازمست درجا جواب لازم و درخور را بگیرند.

۹ مارس ۲۰۲۳

کدام تاکتیک؟

اعتصاب و اعتراض نه خانه نشینی

یک هدف جمهوری اسلامی از حملات شیمیایی به مدارس و مراکز آموزشی خانه نشین کردن زنان و دانش آموزان دختر و از صحنه حذف کردن بخش مهمی از نیروی فعاله خیزش انقلابی است. سیاست تعطیلی و نرفتن دانشجویان و دانش آموزان به دانشگاه‌ها و مدارس در خدمت اهداف جمهوری اسلامی است. معلمان بدست سیاست اعتصاب و اعتراض را برگزیدند و مورد حمایت قرار گرفتند. اعتصاب باید با اعتراض و پس راندن حکومت ترکیب شود.

۶ مارس ۲۰۲۳

تا #آشویتس و #داخائو فاصله زیادی نداریم!

رژیم را بکویم و در قبال فرضیه‌های انحرافی هشیار باشیم

حمله شیمیایی به شهروندان بی‌دفاع در محیطهای آموزشی، ماهیتا با اقدامات نازی‌ها در آشویتس و داخائو تفاوتی ندارد. این گازها را مقداری تقویت کنید به صحنه‌های بمباران مردم بی‌پا خاسته سوریه با بمب‌های بشکه‌ای توسط بشار اسد و بمباران شیمیایی مردم بی‌دفاع حلبچه توسط صدام حسین میرسید. دولتهای سرمایه‌داری در جنگهای دوده‌های اخیر بسیار بیشتر جلو رفتند و از اورانیوم رقیق شده و بمب فسفری هم استفاده کردند.

حملات تروریستی گسترده با استفاده از گازهای مسموم کننده، که بطور عجیبی نمیتوان ردی از خصوصیات آنها، سازندگان و نهادهایی که امکان دسترسی به این نوع سلاح را دارند کشف کرد، ماهیتا فرقی با اتاق گاز و کوره آدمسوزی فاشیستها ندارد. تفاوت تنها در میزان و غلظت سم استفاده شده است، اما ماهیت عمل یکی است. این بیو-تروریسم سازمانیافته دولتی است.

علیرغم طرح فرضیه‌های مضحک و دنباله روی آگاهانه و

صفحه ۱۸

۸ مارس روز حمایت از خیزش انقلابی ایران و زنانی که تاریخ می‌سازند!

یادداشتها ...

تروریسم علیه شهروندان هستند. این یک جبهه تعرض ضد انقلاب اسلامی به زنان و خیزش انقلابی برای بازسازی سنگرهای فروریخته است.

شعار #حکومت_بچه_کش_نمیخوایم دقیق ترین شعار و سیاستی است که مردم فهیم ایران در قبال این واقعه تاکنون طرح کردند. سیاست ما اینست: رژیم را بکوبیم و در قبال فرضیه های انحرافی هشیار باشیم.

یک سوال میماند که بعناوین مختلف در فضا چرخ میزند. آیا این اقدامات تروریستی طرحی برای انحراف اذهان عمومی و بازی دادن آنها برای اجرای یک طرح بزرگتر مثل آزادسازی بیشتر قیمت ها و معامله با دول غربی نیست؟ یعنی در شرایطی که شما دارید برای یک امر واقع نبرد میکنید همزمان در سنگرهای دیگری به شما تهاجم شود!

طرح «مولد سازی» و افزایش سرسام آور نرخ دلار و سیاستهای اخیر دول غربی در قبال جمهوری اسلامی چنین فرضیه ای را بدرجه ای موجه نشان میدهد. بنظر من این بحث در عین وجود عناصری از حقیقت در آن بی ربط به سیاست واقعی و سوالات مهم امروز رژیم اسلامی است. این دیدگاهی زیادی «اکنونیستی» در یک دوره انقلابی است. سیاست فوق، طرح و برنامه کل بورژوازی ایران در حکومت و در اپوزیسیون بوده و هست که از دوره رفسنجانی تا امروز قدم قدم اجرا شده و هر دولت بورژوایی دیگر هم کمابیش همین مسیر را دنبال میکند. اصلاح طلبان کاسه داغ تر از آش همین سیاست اند. موضوع مرکزی امروز برای حکومت اقتصاد نیست، بلکه سیاست بقای حکومت است، منافع آتی و درازمدت اقتصادی طبقه سرمایه دار ایران در گرو کوبیدن انقلاب و به خانه فرستادن مردم است.

قطب نما را گم نکنیم، هدف این فرضیه ها مهندسی افکار عمومی و پاشاندن نیروی اعتراضی بالقوه و بالفعل علیه این فاجعه است. توجه داشته باشیم که رژیم به یک گام عقب نشینی ما رضایت نمیدهد، تعرض میکند، میگذرد، نابود میکند، تا جایی که برای مدتها نتوانیم کمر راست کنیم. خامنه ای را هیتر خطاب کنید، رژیم ایران بطور علنی و مقابل چشم جهانیان پرده هایی از آشوبیت و داخان را بازسازی می کند، به آنها فرصت ندهیم، طومارشان را برچینیم.

فردا سه شنبه ۱۶ اسفند همه جا همراه با معلمان و دانش آموزان دست به اعتراض بزنیم. سراسر ایران باید جنبش انقلابی علیه حکومت فاشیست و بچه کش بپاخیزد!

#نمیتوانم نفس بکشم #حکومت_بچه_کش_نمیخوایم

#بسیجی_سپاهی_داعش_ما_شمایی

#بیو_تروریسم

۱۵ اسفند ۱۴۰۱ - ۶ مارس ۲۰۲۳

وقتی قاتل دادستان میشود!

خامنه ای که گویا در خواب زمستانی بوده، بیدار شده و خواهان «شناسایی و اشد مجازات» برای حملات شیمیایی به مدارس دخترانه شده است. آدم کهیر میزند از این همه وقاحت و تحقیر شعور مردم. کسی

صفحه ۱۹

ناآگاهانه عده ای از این فرضیات، حکومتی ها حتی نمیخواهند پنهان کنند که این اقدامات توسط آنها صورت گرفته است. دلیل برای این ادعا اینست که هر روز در دهها شهر به مدارس و دانشگاه و خوابگاه حمله میشود، یکنفر حین عمل دستگیر نمیشود، هیچ ردی از آثار جرم نیست، اما با توحش تمام به پدر و مادر دانش آموز مسموم شده تعرض می کنند و در هر مورد توجیهی توسط امنیتی ها دست و پا میشود.

حملات شیمیایی و تروریستی سازمانیافته حکومتی به مردم و اساسا زنان و دانش آموزان مدارس دخترانه، ادامه سیاست مقابله با خیزش انقلابی و یک رکن سیاست جنگ بقای حکومت است. سیاست اردوی انقلابی نمیتواند چیزی کمتر از درهم شکستن این ضد حمله و خرد کردن دندانهای تیز و خونین حکومت باشد. سخنان خامنه ای برای «شناسایی و مجازات» باتیان این اقدامات باندازه همین حملات جنایتکارانه آزاردهنده است. منتظر کمدی اکتشافات محیرالعقول «سربازان گمنام امام زمان» باشید!

از پیش نیز باندازه کافی داستان پلیسی جنایی و فرضیه های مختلف طرح شدند: «هزاره ها» که یک جریان اسلامی اند و معتقدند هر هزار سال یکبار باید اتفاقی مهم رخ دهد. «خودسرها» که از حکومت حرف شنوی ندارند و دست به اقداماتی مانند قتل و غیره میزنند. «تندروهای درون حکومت» که کاسه داغ تر از آش خامنه ای هستند مانند مونتلفه و مهدیون و نوع مصباح یزدی که میخواهند کلا زنها را خانه نشین و از اجتماع دور کنند، حزب توده و اصلاح طلبان در پروراندن این نوع سناریو حق استادی بر طرح کنندگان اخیر دارند. یا از داعش و وهابی و دولت اسرائیل اسم برده شده است.

از نظر ما این فرضیات مجموعا مهم اند، خاصیتی جز وقت خریدن و سرگرمی برای مردم و مهمتر برگرداندن توجه مردم به بیرون حکومت ندارد. هدف اساسی این فرضیات اینست که کار حکومت نیست، چرا باید حکومت دست به چنین کاری بزند، منطقی نیست و با عقل جور در نمی آید! اگر این فرض را قبول کردیم، آنوقت وارد پله دوم می شویم: خواست «اجرای عدالت» از حکومت قاتلین و مسببین تروریزه کردن جامعه. یک خط اصلاح طلبانه کامل که هم خامنه ای و نظام را از زیر فشار انتقاد و اعتراض بیرون می برد و هم قاتل را به دادستان و مدعی العموم ارتقا میدهد. برخی بیانیه ها و نامه های منتشر شده با امضای وسیع اصلاح طلبان همین خط را دنبال میکنند. آنوقت شبهه معترض در این قالب میخواهد حکومت از خودش «رفع شبهه» کند، یعنی سران سه قوه محکوم کنند و عاملان و آمران را بازداشت و مجازات کنند! عجب دنیای گل و بلبل است، اعاده حیثیت از فاشیسم!

خط سیاسی درست و بی اما و اگر اینست: خامنه ای و سازمانهای امنیتی تحت مسئولیتش طراح و بانی و مجری و لجستیک کل این

جمهوری اسلامی با تروریسم بیولوژیکی به جنگ انقلابیون آمده است

یادداشتها ...

اعتراضی ضد حکومتی را همه جا برپا کرد. از این حکومت طلب «اجرای عدالت» و «آمران و عاملان» را مجازات کردن، خودفربیی محض است.

خامنه ای در راس سازماندهی تروریسم جمعی دختران ماست. اگر امنیت برای فرزندان ما وجود ندارد برای هیچ حکومتی هم نباید وجود داشته باشد.

۵ مارس ۲۰۲۳

دم خروس #حکومت_بچه_کش

۱. گازهای مسموم کننده را در بقالی سر کوچه نمی فروشند.
 ۲. دسترسی به این نوع گاز برای افراد عادی که سهل است، برای صنایع هم بدون مجوز ممکن نیست.
 ۳. دسترسی به این میزان کپسول حاوی گازهای سمی تنها توسط سازمانهای خاص ممکن است.
 ۴. تامین چاشنی انفجاری یا پخش گاز با ریموت از راه دور فقط از سازمانهای امنیتی برمی آید.
 ۵. گسترش حملات به دهها مدرسه در شهرهای مختلف تنها در یکروز، مستلزم لجستیک و آزادی عمل بالاست.
- هیچ احمقی به داعش و اسراییل و امثالهم فکر نمیکند، سرنخ و سازمان و طراحی و تدارک و اجرا همه یکجاست؛ بیت خامنه ای.

علیه #حکومت_بچه_کش متحدانه بپاخیزیم!
#بسیجی_سپاهی_داعش_ما_شمایی_#بیو_تروریسم
۵ مارس ۲۰۲۳

زاهدان، شعار الله و اکبر علامت خوبی نیست

در دو سه هفته اخیر در زاهدان، شعار الله و اکبر هرچند محدود در تجمع تکرار میشود. مولوی ها هر اهدافی که دارند و یا مردم از سر پراگماتیسم و یا حتی حس تعلق چه رابطه ای با آنها برقرار می کنند، فعلا موضوع بحث من نیست. مهمتر اینست که این محاسبات تاکنون در شعارهای خیابان تاثیر نداشت. خیابان همدل با سراسر ایران و در جاهائی میلیتانت و پیشرو بود.

بازگشت شعار الله و اکبر به اجتماعات یک علامت هشدار است، از یک تهدید بالقوه سخن میگوید، مخاطره ای که اگر به آن حساسیت نداشته باشیم میتواند اعتراضات را در گرداب خود غرق کند. کارکرد شعار الله و اکبر در اجتماعات مثل شعار جاوید شاه است، بی ربط به اعتراض و به آمال مردم.

اما شعار الله و اکبر مقدمه تعرض یک خط سیاسی است، جریان طالبانیستی و مرتجع که هدفش سوار شدن بر حرکت اعتراضی مردم در بلوچستان و معامله با آن برای کسب امتیاز است. هشیار باشیم و آگاهانه مقابله کنیم.

۳ مارس ۲۰۲۳

که حکومتش بانی و سازمانده حملات روزانه به دهها مدرسه است، از «اجرای عدالت» سخن میگوید. قاتل، دادستان شده است، دو روز دیگر سناریوی دست ساز و قلابی شان را ببینید.

اگر حرف خامنه ای را باور کنیم، باید خود وی و مجتبی و عوامل سپاهی و بسیجی و داعشی را به «اشد مجازات» محکوم کرد!

مردم! از ظرفیت اعتراض و هشیاری جامعه ترسیده اند و می خواهند طوری پروژه نسل کشی را جمع کنند. توی دهان خامنه ای بزینم.
#حکومت_بچه_کش_نمیخوایم!

۶ مارس ۲۰۲۳

جنگ شیمیایی حکومت با دانش آموزان و جامعه

اعتراضات جاری را حمایت و گسترش دهیم

امروز یکشنبه ۱۴ اسفند، دبیرستان رقیه در آبادان با ۲۷ بیمارستانی، مدرسه زینب در رامهرمز با صدها مسموم و دهها بیمارستانی، دبیرستان نیمه شعبان در گرمدره کرج، دبیرستان شاهد جاویدالاثر و هنرستان فاطمیه در همدان، مدرسه ابوریحان در تهران، مدرسه سرداران در تبریز، مدرسه معطری در شیراز و مدرسه راهنمایی معصومیه شاهد در گیلان غرب هدف حملات شیمیایی و ترور بیولوژیکی حکومت اسلامی قرار گرفتند. تا ظهر امروز یکشنبه دهها مدرسه دخترانه در شهرهای تهران، کرج، اهواز، آبادان، خرمشهر، تبریز، مشهد، شیراز، زنجان، همدان، اصفهان، گیلان غرب، ابهر، هفتگل، فولادشهر، خلخال، شهریار، گنبدکاووس، رامهرمز، بوشهر، یزد، نیشابور، ساری و بابل هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند.

دیروز شنبه ۱۳ اسفند حکومتی ها دانش آموزان را در دهها مدرسه در سراسر ایران مورد حمله های شیمیایی قرار دادند. دستکم ۳۷ مدرسه در ۱۱ استان و بنا به آمار ۱۱۰ مدرسه تنها در روز شنبه مورد هجوم تروریستی قرار گرفتند. مدارس دخترانه مورد هدف تروریست های حکومتی بودند. این یک جنگ تمام عیار با روشهای کثیف علیه خیزش انقلابی و زنان و مردان بپاخاسته است. حکومت دارد میگوید در دفاع از نظام و مقابله با مخالفین هر راه و هر شیوه ای مجاز است. خامنه ای دارد میگوید حاضرم هولاکاست اسلامی دیگری خلق کنم اما عقب نمیروم. همینجا باید شکستش داد و گام بازگشت ناپذیر دیگری عقبش راند.

در روزهای اخیر اعتراض مردم و خانواده ها به تهاجم تروریستی حکومت بالا گرفته است. معلمان و فرهنگیان فراخوان اعتصاب و اعتراض دادند. از جانب فرهنگیان و دانش آموزان انقلابی حمایت های بسیاری شده است. زنان مستقلا وارد عمل شدند. خانواده ها و مردم بشدت عصبانی اند. کسی دیگر دنبال فرضیات پوچ نیست و همه میدانند کار حکومت است. باید فوریت و قاطعانه اجتماعات

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

parvin.kaboli@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

عکسهائی از ۸ مارس



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!